

## «خط امام» درسنگر دفاع از خود

وقتی رفسنجانی اصل یکمده سیزدهم قانون اساسی رژیم را به "خط امام" تحمیل کرد، هنوز رفسنجانی جمهور رژیم ارتجاعی خمینی نشده بود. براساس این اصل پس از مقام رهبری، رئیس جمهور عالی ترین مقام رسمی کشور است و مسئولیت اجرای قانون اساسی و ریاست قوه مجریه را جز در اموری که مستقیماً به رهبر مربوط می شود، برعهده دارد. بدین ترتیب رفسنجانی با صاف کردن دست اندازهای قانون اساسی در مورد بالاترین مقامات کشور، جاده صعود خود بقدرت را هموار می کرد.

نمایش انتخابات برای رئیس جمهور از قبیل تعیین شده، جریان "حزب الله" و "خط امام" را در موقعیت نامناسبی قرار داد. رفسنجانی سپس با معرفی یک کابینه غیر سیاسی و انتخاب وزرایی که کاملاً در اختیار او قرار دارند، عملاً جهت گیری کابینه را با تمایلات خود تنظیم نمود. در حالی که رئیس قوه قضائیه رژیم از جناح بازار و مدافعان "فقه سنتی" است و رئیس قوه مقننه نیز بیش از آنکه "حزب الهی" باشد، وابسته به جناح رفسنجانی است، "خط امام" عملاً در موضع کاملاً تدافعی قرار گرفت. "حزب الله" که پس از نوشیدن "زهر" توسط خمینی ضربه محکمی دریافت کرده بود، پس از مرگ خمینی، از موضع غالب در دسته بندیهای درونی رژیم به موضع مغلوب رانده می شود و بدین ترتیب تمامی عوامل و ابزارهایی که حزب الله ساخته و عملاً بخش ارگانیک هرم ولایت فقیه را تشکیل می دهند، مورد تهاجم ائتلاف جناح رفسنجانی و باند قارتگر بازاریان قرار می گیرد.

قرار می گیرند. "حزب الله" که توسط رفسنجانی لحظه به لحظه به عقب رانده می شود، از نمایندگان خود خواستار قاطعیت بیشتری می شود. اما "خط امام" که شاهد سقوط "امام خمینی" در هنگام پذیرش قطعنامه ۵۹۸ بود، توان مقابله سریع و قاطع را از دست داده و مجبور است برای دور آتی نبرد به تدارک و "جبهه بندی" بپردازد.

موسوی اردبیلی در نماز جمعه روز ۳۱ شهریور اسماً به شکوه و شکایت می پردازد و می گوید: "اخیراً من احساس می کنم که یک مسئله بیمارگونه در جامعه ما دارد کم کم خودش را رشد می دهد، نشون میده، اگر به وقتی مسئولی حرف زد، دیگری گفت من رای امین نیست، فوراً به برجسی به او می زنند، توفند انقلابی، توفند ولایت فقیهی، توفند نظامی، توفند مسئولی، نخیر، اونکه این حرفها را می زنه، اون خودش ضد اسلامی حرف می زنه، ممکن است یک دلسوخته انقلاب، یک عاشق انقلاب، یک معلم جنگی، علاقه مند به نظام حتی ارادتمند به خود مسئولین در یک جا، در قوه، در سه جا نظر مخالفی داشته باشد، ما به چه موازین رسمی به اینها می گیم تو ضد انقلابی، توفند ولایت فقیهی، تو ضد نظامی، توفند مسئولی، توفند فلانی. اگر این کار را رد نکنیم، از اون طرف هم بیاییم بگیریم وحدت خودتون را در جبهه داخلی حفظ کنید، نمیشه. برادرها، خواهرها، عزیزان، سروران، ما به نام اسلام جلوگیری حقوق مردم را نمی تونیم بگیریم. ... بگذارید همه در صفحه ۵

## سومین پیروزی مقاومت ایران در عرصه بین المللی

(آنا) - رم، ۲۰ مهر ۶۸ - ۲۰۹ نماینده پارلمان ایتالیا فراخوانی خطاب به نخست وزیر را به امضاء رسانده و طی آن خواستار محکومیت رژیم خمینی شدند. و آرزوی برسمیت شناخته شدن شورای ملی مقاومت ایران را نمودند. در میان امضا کنندگان همچنین وزرا، روبرتی، ویتزلی، رومیتا و لورنتسو، روسای کمیسیونهای خارجی پارلمان و سنا، سناتور آکیلی و عالیجناب پیکولی بچشم می خوردند. طی یک بیانیه مشترک، نمایندگان پارلمان گوشتاب آیرنی (از حزب سوسیالیست ایتالیا)، ویتوکنسولی (از حزب کمونیست ایتالیا)، جوانی کاروس (از دموکرات سیخی) و اتوره مازینا (از چپ مستقل) اظهار می دارند که فراخوان مزبور "اقدامی بس مهم و ارزنده می باشد. چونکه سرکوب در ایران، پس از مرگ خمینی نیز ادامه دارد و هزاران شهروند ایرانی تحت تهدید ترور و اعدام بسر می برند. بهبود است که بفر امیدوی به یافتن برخی خطوط مدره با پراگماتیستی در داخل رژیم کاشته شود؛ پارلمانهای مزبور اظهار می دارند: لازم است که روی شورای ملی مقاومت ایران، به رهبری مسعود رجوی، و جنبش مردمی مجاهدین خلق حساب کرد. نمایندگان پارلمان ایتالیا تحریم تسلیحاتی و نفتی و اخراج جمهوری اسلامی ایران از سازمان ملل متحد همانگونه که در بیانیه ماه مه گذشته پارلمان اروپا آمده را خواستار شد. در خاتمه اطلاعیه آمده است: "تنها بدینصورت می توان از دستیابی خلق قهرمان ایران به صلح و آزادی اطمینان حاصل کرد."

### سخنی با دانش آموزان

در سالروز ۱۳ آبان روز خونین دانش آموز

در صفحه ۲

## در بند خمینی

در صفحه ۹

در سالگرد تصویب طرح خودمختاری

### طرح شورای ملی مقاومت

برای خودمختاری کردستان ایران

در صفحه ۱۱

مردم ایران

رژیم خمینی در مبارزه اسرای جنگی، به اشکال مختلف کارکنی می کند، با مبارزه متحد و یکپارچه خود، رژیم خمینی را مجبور به قبول سباده کامل اسرای جنگی بنمائید.

سازمان چریک های فدایی خلق ایران  
پیرو برنامه (هویت)

س ۲ - ت ۳

- دمکراسی به شیوه باند مذاکره جو  
- اعتراض رژیم خمینی به دولت ایتالیا

در صفحات ۱۲ و ۳ و ۴

مریم رجوی بعنوان مسئول اول سازمان  
مجاهدین خلق ایران معرفی شد

صفحه ۲

کفتری از صدای کردستان تحت عنوان

## انتقاد سازنده یا سکتاریست ؟

در صفحه ۱۰

## اخبار و رویدادها....

- بورش دانشجویان قاسملو به پیشمرگان کومله  
- اطلاعیه ای از دفتر سازمان مجاهدین خلق ایران تحت عنوان "طرفداران احمد خمینی به خلقید از باند رفسنجانی فرا می خوانند"  
- اعتراض نمایندگان مجلس رژیم به دیدار محمد بزدی با همسر راجر کوپر

### سخنی با دانش آموزان در سالروز ۱۳ آبان روز خونین دانش آموز

مریم رجوی بعنوان مسئول اول سازمان  
مجاهدین خلق ایران معرفی شد

رامپو سجاد در برنامه روز ۲۷ مهر اسفند اعلام نمود که هم رزم مجاهد مسعود رجوی در مقام فرمانده کل ارتش آزادیبخش ملی ایران و رهبر عقیدت‌سوی مجاهدین خلق، مریم رجوی را بعنوان مسئول اول سازمان مجاهدین خلق ایران معرفی کرد. هم رزم مجاهد مریم رجوی قبلاً جانشین مسئول اول سازمان مجاهدین خلق ایران بود. وی اکنون در مقام مسئول اول سازمان مجاهدین، جانشین فرمانده کل ارتش آزادیبخش ملی ایران نیز می‌باشد. مسعود رجوی اعلام نمود که "با قرار گرفتن مریم در موضع مسئول اول سازمان مجاهدین خلق ایران، انقلاب ایدئولوژیک درونی این سازمان به اوج بلوغ و کمال شایسته خود می‌رسد و سرچشمه خیرات و برکات بسا عظیم تر برای مجاهدین و خلق محبوبشان می‌گردد". مسعود رجوی اعلام نمود که تبعیت انقلابی از مریم رجوی چه در موضع مسئول اول سازمان مجاهدین و چه در موضع جانشین فرمانده کل ارتش آزادیبخش ملی وظیفه ایدئولوژیک هر مجاهد خلق است."

در سال ۵۷ در حالی که ستون های رژیم شاهنشاهی به لرزه افتاده بود و جنبش توده‌ای نوید سرنوینی آن را می‌داد، دانش آموزان کشورمان همدا با خیل عظیم توده‌ها در مقابله با سرکوب و اختناق رژیم بسا خواستند.

در روز ۱۳ آبان ۵۷ دانش آموزان در دفاع از آزادی های سیاسی و اجتماعی در اطراف خیابان های دانشگاه تهران به تظاهرات پرداختند. این تظاهرات توسط مزدوران مسلح رژیم شاه به خون کشیده شد و آن روز دهها غنچه انقلاب با خونشان فدای سرنوینی اجتناب ناپذیر رژیم را گواهی دادند.

امروز ۱۱ سال از آن حرکت انقلابی می‌گذرد. در این سال های طولانی مبارزه دانش آموزان مراحل مختلفی را پشت سر گذاشته است. در شرایطی، جنبش دانش آموزی فعال بود و دانش آموزان بعنوان یک قشر آگاه جامعه و به دلیل برقرار نمودن ارتباط رنده با توده‌ها و اینکه خود آنها از ا فشار متفاوت جامعه بودند، توانستند نقش معین و بارزی در جنبش توده‌ای جهت سرنوینی رژیم شاه به انجام رسانند. در ادامه، بعد از قیام و در دفاع از دمکراسی و آزادی های اجتماعی حرکت های انقلابی چشمگیری داشتند. در این دوران سازمان های خاص دانش آموزی ایجاد شده و تعدادی از آنها موفق و بعضی ناموفق بودند. از طرفی با سرکوب دانش آموزان همراه با سرکوب بقیه اقشار خلق، شمار عظیمی از این جوانان جذب سازمان های انقلابی شدند و هزارها تن از آنان به زندان ها افتادند و با در زیر شکنجه‌های وحشیانه رژیم خمینی جان سپردند. به همین دلیل یکی از خصوصیات بارز مقاومت ایران در شرایط فعلی حضور فعال تعداد زیادی از جوانان نسل انقلاب در آن می‌باشد.

در شرایط خفقان و سرکوب رژیم خمینی، که هر فدای حق طبیبانه‌ای با اعدام و گلوله‌های مزدوران و بسا نهایتاً زندان خفه می‌شود، ما فاقد جنبش دموکراتیک دانش آموزی هستیم. در فقدان این جنبش ما بسا گذشته برمی‌گردیم و با نگاهی به تجارب آن، برای آینده، خود را آماده می‌سازیم.

از دیدگاه ما جنبش دموکراتیک دانش آموزی بر سر بستر مبارزه برای آزادی های سیاسی و اجتماعی و حقوق دموکراتیک دانش آموزان در امور علم و دانش و از طرفی مبارزه برای حقوق صنفی شان در رابطه با امور تحصیلی، مدرسه و... شکل می‌گیرد و در گذشته می‌توان گفت تقریباً بر همین مبنا شکل گرفت. این جنبش احتیاج به تشکل های دموکراتیک خاص خودش را دارد. از این جنبه می‌گوئیم دموکراتیک که این تشکل باید همه دانش آموزان را با هر ایدئولوژی و تگریش، حول برنامه‌ای که چارچوب آن خواستهای صنفی و سیاسی این قشر را در برمی‌گیرد، متشکل کند و آنان را در مبارزه‌شان سازمان دهد. بعد از قیام این تشکل ها در بعضی از مدارس تحت عنوان شوراهای دانش آموزی شکل گرفت و در بعضی از نقاط از تعدادی از این شوراها، اتحادیه‌های دانش آموزی شکل گرفت. این شوراها همه دانش آموزان را که حاضر به مبارزه در این چارچوب بودند را در برمی‌گرفت.

حال اگر دانش آموزی گرایش سیاسی و ایدئولوژی معینی داشت و یا وابسته به گروه معین طبقاتی بود در این شورا می‌بایست بمنابله یک دانش آموز شرکت کند. و در شورا می‌توانست با تکیه بر روشی سیاسی سازمانش در زمینه مبارزه دموکراتیک دانش آموزان حرکت کند. در مناطقی که این دیدگاه پیش رفت جنبش دانش آموزی موفق بود. در آن شرایط حرکت های اعتراضی دانش آموزی چه بصورت تظاهرات و چه بصورت اقدامات مشخص در محل مدرسه در تقابل با تحمیل سیاست های ارتجاعی و واپسگرایانه رژیم خمینی در مدارس و با در مقابله با پایمال شدن آزادی های دموکراتیک توسط رژیم جریان داشت. در آن موقع دیدگاه دیگری وجود داشت که تلاش می‌کرد، کانون های مبارزه دانش آموزی را تبدیل به ارگان گروهی و با صحنه جدال خطوط بین سازمان های سیاسی گرداند. در نتیجه در آن نقاطی که دیدگاه فوق تسلط داشت، دانش آموزان هر جریان سیاسی، تشکل دانش آموزی خاص خود را داشتند. البته این اشکال مختلف از جنبش دانش آموزی از دل یک قیام توده‌ای و در دوران کشاکش بین انقلاب و ضد انقلاب بوجود آمد. طبیعتاً در دوران سرنوینی رژیم خمینی ما شاهد شکل جدیدی در تشکل و سازماندهی مبارزه خواهیم بود.

در شرایط فعلی دانش آموزان زیر فشار سیاست های ارتجاعی رژیم هستند. از نظر صنفی امکانات بسیار پایین است. بدلیل کمبود مدارس، دانش آموزان بطور نیمه وقت تحمیل می‌کنند و با عده زیادی اصولاً موفق به رفتن به مدرسه نمی‌شوند. در نتیجه کاغذ و قلم و کتاب همیشه با کمبود و گرانی روبرو هستند. از طرفی در کلاس های درس چیزی که القا میشود نه دانش بلکه القاء خط فکری واپسگرایان می‌باشد. در مدارس دخترانه فشار بیش از این است. حجاب اجباری و تحقیر بدلیل عدم رعایت حجاب مورد دلخواه مزدوران رژیم، کتک زدن و با موهای سر را تیغچی کردن، نمونه هایی اندک از شیوه‌های بکار برده شده در مدارس دخترانه می‌باشد. در یکی دو سال گذشته شاهد نمونه‌های مختلف خودکشی محملان دختر در تهران بودیم که خبر آن در روزنامه های رژیم هم منعکس شد. این دختران جوان بدلیل تحقیر شدن در مقابل همکلاسی های خود توسط مزدوران و خورد شدن شخصیتشان، دست به خودکشی زده‌اند. خلاصه می‌توان گفت تنها راه رهایی از این اختناق و سرکوب حاکم بر مدارس، سرنوینی رژیم می‌باشد. و در این راه دانش آموزان، فرزندان خلق در زنجیر ایران همراه بسا کارگران و زحمتکشان و دهقانان و کارمندان و معلمان، و بقیه اقشار خلق متحد شده و با مبارزه یکپارچه خود رژیم ضد بشر خمینی را به گور سپارند.

دانش آموزان پیشرو مبارزه شما باید در پیوند ارگانیک با مبارزه انقلابی و مسلحانه سراسری باشد. بدین لحاظ آن بخش از دانش آموزان پیشرو که نمی‌توانند عملاً به جنبش مسلحانه انقلابی بپیوندند، باید به ایجاد هسته‌های مقاومت انقلابی در مدارس مبادرت ورزیده



و با استفاده از شیوه‌های مناسب، پیرامون شعار محوری "مرکز بر رژیم خمینی، زنده باد صلح و آزادی" به مبارزه مسلحانه انقلابی باری رسانند. دانش آموزان پیشرو می‌توانند خواست برجسته شدن بساط نهادهای جاسوسی از قبیل انجمن اسلامی و امور تربیتی را به میان نوده دانش آموز برده و از این طریق رژیم را هرچه بیشتر افشا نمایند. دانش آموزان پیشرو همچنین باید سیاست شکست خورده جنگی رژیم را افشا نموده و از دانش آموزان بخواهند که گوشت دم توپ رژیم و سربازان یک بار مصرف آن نشوند. خواست آزادی اسرای جنگی و بازگشت آنان به میان خانواده‌هایشان از جمله خواست های دموکراتیکی است که دانش آموزان پیشرو باید بمیان توده دانش آموز و از طریق آنان بمیان مردم ببرند. دانش آموزان

برای تحقق خواست "صلح و آزادی" و برای ایجاد ایرانی آزاد، مستقل و دموکراتیک، بسا خیزند، متشکل شوید و در پیوند با مقاومت انقلابی مسلحانه رژیم ارتجاعی خمینی را سرنوین سازید.

اخبار و رویدادها....

از صفحه ۱۲

انتخابات زودرس " و "با کمال قدرت" به مجلسی خواهند آورد. در همین جلسه ابراهیم امین - سرزاده نماینده مجلس رژیم از تهران مواضع وزارت خارجه را "به ضرر منافع ملی" و "خیانت به انقلاب و ارزش های انقلاب" خواند. بدنبال تصویب تهمیلی کابینه رفسنجانی در مجلس که چشم انداز سازش بیست جناح های متخاصم را کاملاً منتفی نمود جلسات مجلس تبدیل به صحنه جنگ و دعوی جاد و روزافزون "خط امام" و باند رفسنجانی گردیده است. فرسخوان خلخالی به خلقید از رفسنجانی که برای اولین بار بطور علنی درخواست می شود بخوبی بیانگر اینست که منازعاتی که در میدان سیاسی و قانونی راه حل نیافته اند، بیست از پیش به سوی اعمال قهر راه می برند.

~~~~~

احضار کاردار سفارت ایتالیا در تهران

پس از انتشار نامه حمایت آمیز ۲۰۹ نفری از نمایندگان پارلمان ایتالیا و چهار وزیر کابینه ایتالیا به جولیو آندرئوتی نخست وزیر این کشور، گردانندگان رژیم شدیداً برآشفته شده اند. رادیوی رژیم هر برنامه روز ۷ مهر جاری خود می گوید "کاردار سفارت ایتالیا در غیاب سفیر این کشور در تهران بعد از ظهر دیروز به وزارت امور خارجه احضار و در مورد بیانیه منتشره از سوی ۲۰۹ نفر از نمایندگان پارلمان ایتالیا در مورد حمایت از مناقضین از وی توضیح خواسته شد. به گزارش واحد مرکزی خبر، مدیرکل اروپای غربی وزارت امور خارجه در این دیدار اظهار داشت: اینگونه برخوردها و اقداماتی نظیر اعطای وام ۲ میلیارد دلاری و مشارکت ایتالیا در تولید موشک با رژیم عراق در روند روابط سیاسی و اقتصادی ایران با ایتالیا تاثیر منفی خواهد داشت."

~~~~~

گفتار راديو مسكو در رابطه با افغانستان

راديو مسكو در برنامه روز ۶ مهر سال در رابطه با افغانستان می گوید "اعلامیه اخیر اتحاد هشگانه نشان می دهد که گروه بندی های عضو این ائتلاف خواهان آغاز گفتگو ها هستند تا راه خروج از موقعیت پیچیده کنونی پیدا شود. روشن است که يك چنین گفتگویی بدون شرکت حزب دموکراتیک خلق افغانستان، نجیب الله، رئیس جمهور و رهبران حزب کامل و وزیر نخواهد بود. نمایندگان اپوزیسیون افغانی مقیم ایران به این موضوع اعتراف کرده اند. عادی سازی اوضاع در افغانستان فقط در نظر اول غیر مترقبه است. در حالی که در واقع این برخورد نرسه گفتگوهای طولانی و موشکافانه ای میان اپوزیسیون شیعه و دولت افغانستان است. در اوایل ماه سپتامبر نجیب الله و کشتند نامه ای برای رهبران مجاهدین مقیم ایران فرستادند و از آنها دعوت کردند که به گفتگو بپردازند. بعید نیست که تهران هم در تفسیر موضع گروه بندی های شیعه اپوزیسیون تاکید کرده

باشد. می دانیم که يك هفته پیش از پخش این اعلامیه رهبران ائتلاف هشگانه با علی اکبر ولایتی دیدار کرده بودند. میانجیگری تهران و آمادگی گروه های شیعه اپوزیسیون برای انجام گذشت و مصالحه چنین است زمینه خوب و مساعدی برای گفتگوهای سازنده با کابل. چنین به نظر می رسد که شانس واقعی برای حل و فصل مسأله آميز مسأله افغانستان پدید آمده است."

~~~~~

موضع ولایتی در رابطه با افغانستان

ولایتی در مصاحبه مطبوعاتی پیرامون سمینار افغانستان در تهران که در تاریخ ۱۰ مهر امسال از رادیو رژیم پخش شد در پاسخ به اینکه شرکت حکومت افغانستان در ائتلاف، پیشنهادی بود که به نقل از او بعد از مذاکرات بلگراد مطرح شده گفت: "ما از مواضع انقلابی و اسلامی خودمان در هیچ شرایطی عدول نکرده ایم و به شما اطمینان می دهیم که نه تنها سازهایی با رژیم کابل نداشته ایم، بلکه با نماینده آنها در ژنو نیز ملاقات نکرده ایم و این تبلیغات شوشی بیست نیست."

~~~~~

همبستگی با پیشهاد ۲۰۹ نفر از نمایندگان ایتالیا

خبرگزاری ایتالیایی گلوبال پرس در تاریخ ۱۴ سپهر امسال اعلام نمود که: "بخش بین المللی سندیکای کارگری "سی - جی - شی یال" همبستگی خود را با پیشهاد اخیر ۲۰۹ نفر از اعضای پارلمان ایتالیا مدعی و خواه همبستگی ایران از مجمع سازمان ملل ابراز داشت. موضع گیری این سندیکا را می توان در ارتباط با اعتراضات رسمی دولت ایران در قبال پیشهاد ۲۰۹ پارلمانیتر دید. تهران معتقد است ایتالیایی پشتیبانی خود را از شورای ملی مقاومت و تمامی نیروهای اپوزیسیون که خواهان استقرار نظام گذشته نبوده و در داخل وطن با در تمعید برای آزادی و دموکراسی مبارزه می کنند، ابراز نموده است."

~~~~~

به گزارش خبرگزاری ها، کنگره حزب کمونیست مجارستان در تاریخ ۱۶ سپهر امسال تصمیم گرفت که حزب کمونیست را منحل کرده و سازمان جدیدی بنام "حزب سوسیالیست مجارستان" تشکیل دهد.

~~~~~

گفتار راديو امريكا در رابطه با سياست گورباچف

راديو امريكا در برنامه روز ۲۹ سپهر امسال خود در گفتاری که بیان کننده مواضع نظرات "رسمی دولت امریکاست" گفت: "از هم اکنون می شنوم که می گویند باید کاری کنیم که موفقیت اصلاحات گورباچف تضمین بشود، اما این وظیفه سیاست خارجی امریکا نیست و باران باختری ما هم، چنین وظیفه ای ندارند. در واقع وظیفه ما تنظیم سیاست هایی است که به مصالح ملی ما خدمت کند، چه گورباچف موفق شود و چه شکست بخورد و هدف مشترک ما باید حادق همفکری در باره امنیت باشد که در ۲۰ سال اخیر بسیار برای غرب موثر افتاده است تا اینکه روند اصلاحات دموکراتیک در شرق واقعا بازگشت ناپذیر بشود."

~~~~~

اعدام در ایران همچنان ادامه دارد

دفتر سازمان مجاهدین خلق ایران در تاریخ ۱۵ سپهر امسال اعلام نمود که:

طبق منابع خبری رژیم خمینی، ۳۱ تن دیگر صبح امروز در تهران، قم، کرج، قزوین و تاکستان (مرکز ایران)، شیراز، کرمان و زاهدان (جنوب ایران) و کتید و ساری (شمال ایران) در ملا، عام خلق آویز شدند. جراثم قربانیان - که شامل ۴ زن می شدند - "فاجعای مواد مخدر"، "ابجاد رعب و وحشت" و "فاجعای نگهداری اسلحه غیر مجاز جنگی با مهمات مربوطه" و "اشاعه فحشاء و منکرات" اعلام شد. از آغاز سال ۱۹۸۹ تاکنون اعدام علنی بیش از ۱۲۰۰ تن تحت چنین جراثمی رسماً اعلام شده، حال آنکه بر اساس گزارشات متعدد، صدها زندانی سیاسی نیز طی این مدت بعنوان فاجعاجی مواد مخدر بدار آویخته شده اند.

پس از مرگ خمینی و منجمله از اواخر ماه اوت که رفسنجانی همزمان با ریاست جمهوری، ریاست "ستاد مبارزه با مواد مخدر" را نیز رسماً بعهده گرفت، اعدایهای خیابانی تداوم یافته و منجمله در تاریخ ۱ اکتبر مطبوعات حکومتی از خلق آویز ۸ زندانی در جاده اتوبان کرج - تهران خبر دادند.

يك سخنگوی مطبوعاتی مجاهدین در این زمینه گفت: "باند رفسنجانی با استمرار این اعدایها و انتخاب برخی از بدنام ترین دست اندرکاران شکنجه و اعدام نظیر لاچوردی "قصاب اوین" به عالیترین مناصب قضایی، آشکارا نشان داد که علیرغم تبلیغات کاذب و به عبارتی، سنگ بنای سیاست داخلی اش چیزی جز همان سرکوب قرون وسطایی خمینی نیست و اینگونه اعدایهای علنی هم بخشی از همین سیاست است که هدفی جز ارعاب مردم در حیوحه نزاع قدرت درون رژیم ندارد. طرف ماهیایی که از مرگ خمینی می گذرد، بقایای رژیم او نه فقط در زمینه سرکوب بلکه با دور شدن بازگشت ناپذیر از صلح پایدار و افزایش تروریسم فرامرزی، بروشنی اثبات کرده اند که راه حلی جز همان میراث کشتار، بحران سازی و تروریسم خمینی، برای مقابله با مغفلت لاینحل خود سراغ ندارند. این وضعیت، در شرایطی که روبرویی باندهای متخاصم رژیم هر روز رنگه قهراً آمیزتری به خود می گیرد، راه را برای سرنگونی تمام عیار این رژیم بدست ارتش آزادبخش ملی هموارتر می کند."

~~~~~

یکی از کمانال های سراسری تلویزیون امریکا از قول جیمز بیکر وزیر امور خارجه امریکا در رابطه با ملاقات وی با وزیر امور خارجه شوروی گفت: "ما ایده های جدیدی در رابطه با حل تعدادی از مسائل منطقه ای کشف نمودیم، بویژه در خصوص اهمیت انتخابات آزاد و متعاقباً در نیکاراگوئه و توقف فعالیت های تخریبی در السالوادور، ما هر دو همچنین از تلاشهایی جهت ایجاد يك دیالوگ فلسطینی - اسرائیلی حمایت می کنیم. ما همچنین گروهان گسری را محکوم کرده، در حالی که از آزادی بدون وقفه گروهان ها در لبنان حمایت می کنیم.

~~~~~

اخبار و رویدادها....

از صفحه ۳

محمد بزدی رئیس قوه قضائیه با هسار راجر کوپسر (بازرگان انگلیسی که به اتهام جاسوسی برای دولت انگلیس در ایران زندانی است)، در روز دوشنبه سوم بهرام ۶۸ ملاقات کرد. وی در این ملاقات گفت به عنوان یک انسان امیدوارم که وی هرچه زودتر مورد عفو اسلام قرار گیرد. " و در ضمن احتمال عفو را از طرف رهبری ارتجاع رد نکرد.

این روزها که مسأله ارتباط گیری با جهان غرب یکی از مسائل مورد بحث میراث خوران ارتجاع شده است، موضوع این دیدار هم مورد اعتراض به اصطلاح نمایندگان مجلس که وابسته به باندهای مختلف رژیم می باشد، قرار گرفته است. هرکدام از این ارتجاع‌بویان با ایراد کلماتی از جلد به گور شده، دیگری را خارج از خط "انقلاب" می‌دانند. درحالی که رئیس قوه قضائیه می‌گوید " پرونده راجر کوپسر یک موضوع قضایی است و ربطی به مسائل سیاسی میان دو کشور ایران و انگلیس و مسئله آقای کوروش فولادی ندارد. "، این مسئله به یک مسأله سیاسی و مورد مشاجره و اعتراض بقیه قرار گرفته، که مدار زیر به تعدادی از آنها اشاره می‌کنیم.

در مقاله‌ای از روزنامه کیهان آمده است: " خبر باور نکردنی ملاقات خانم لی لی کوپر یکی از اعضای خانواده راجر کوپسر با رئیس محترم قوه قضائیه کشورمان اعلام گردید و عجیب تر اینکه در این ملاقات برای راجر کوپسر آرزوی عفو شده است."

۱۰- این از نمایندگان مجلس رژیم نامهای به رئیس مجلس نوشتند و در این نامه خواستار حضور وزیر دادگستری در مجلس و توضیح در اطراف دیدار رئیس قوه قضائیه با هسار راجر کوپسر شدند. این نامه شهیدا به این دیدار انتقاد کردند. در این نامه آمده است " اگر آزادی راجر کوپسر به صلاح انقلاب بود، امام شخصا در این باره تصمیم می‌گرفت " و در ادامه همین نامه نوشته شده است " ما نمی‌توانیم شخصی را که امام آزادی او را به مصلحت تشخیص نداده اند آزاد کنیم. کوپر باید تا پایان دوره محکومیت خود در زندان باقی بماند."

۱- خلفالی در سخنان پیش از دستور جلسسه چهارشنبه ۵ مهر مجلس ارتجاع در رابطه با این دیدار می‌گوید: " ۱۰۰ آزاده کرم راجر کوپسر اگر صلاح بود، حضرت امام امت درباره آن تصمیم می‌گرفت. با اینکه آن موقع هم فشار زیاد بود، کسی را که امام آزاد نکرده، ما نمی‌توانیم آزاد کنیم."

۲- استرزاده نماینده مردم تهران در سخنان پیش از دستور مجلس ارتجاع می‌گوید: " ۱۰۰۰ وقتی که قوه قضائیه پیش می‌آید، رئیس قوه قضائیه آن ملاقات را انجام می‌دهد، که همه دلشان به درد آید، یکی نیست به این آقا بگوید که خوب برای چه اجازه ملاقات دادی؟ ۱۰۰ ماهمیشه گلایه خود را از وضعیتی که در قوه قضائیه پیش آمده، عزل و نصب ها و انتخاباتی که ایجاد هنک حرمت کرده اعلام کرده ایم و هم اکنون از آقای بزدی گلایه می‌کنم. ۱۰۰"

از مرون مطبوعات رژیم

روزنامه کیهان رژیم در ۱۳ بهرامسال در مورد گرانی و احتکار و قیمت تخم مرغ نوشته است: "سرخ آزاد تخم مرغ این روزها ساعتی با لا می‌رود معنویان مثال روزیکشمنه قیمت یک عدد تخم مرغ ۵/۵ تومان بود! روز دوشنبه در کمتر از ۲۴ ساعت، برح فسوق بیش از ۲۴ درصد افزایش یافت و قیمت آن در صبح دوشنبه به ۶ تومان رسیده! با ۶/۵ تومان رسید! اگر تخم مرغ بصورت شمش (۱) عرضه شود آن وقت قیمتها تقبیر محسوسی پیدا کرده و نوع تخم مرغ از شمش طلا با تخم مرغ از شمش برنج و با شمش میگو یا شمش تفرافه و ۱۰۰۰ اختلاف خواهد داشت! خصوصا اگر کشف شود و مقدار آن ۱۰ تن باشد وکاشف هم محاکمه شود!"

روزنامه رسالت در ۱۲ مهر امسال می‌نویسد: " مدیرعامل بانک صادرات به اتهام مشارکت در سوء استفاده کلان مالی در شرکت بین المللی بازرگانی لاریس دستگیر و روانه زندان شد. بهادر نژاد عضو هیات مدیره بانک صادرات با اشاره به اینکه دستگیری نامبرده در حدود ۱۷ روز پیش بوده است، گفت: "این شرکت با همکاری مدیر عامل بانک صادرات موفق به اخذ حداقل ۱۶۰۰۰۰۰۰۰۰ ریال وام از بانک صادرات می‌شود. چندی پیش نیز مدیر عامل و اعضای هیات مدیره این شرکت دستگیر شده بودند که تعدادی از اعضای هیات مدیره در قرار وثیقه ملکی آزاد شدند ولی مدیر عامل این شرکت در جریان اطلاع کشور در زندان بسر می‌برد."

مالم آبادی نماینده مجلس ارتجاع در رابطه با طرح قانونی ضرورت عدم تخلیه خوابگاه دانشجویی و اینکه امکان دارد این مسئله از طرف شورای نگهبان رد بشود، می‌گوید: " ۱۰۰۰ همین چند روز پیش شنیدم که چند خوابگاه را پلیس قضایی ریخت و اوسپا را خالی کرد. خب شما وقتی که حمله می‌کنید به خوابگاه هایی که خواهران در اونجا هستند، اونجا را تخلیه می‌کنید، دانشجویان دانشگاه علم و صنعت متقابلا حمله می‌کنند و یک ساختمان خالی را در شمال شهر تهران تصرف می‌کنند. ۱۰۰۰۰۰۰ الان دانشجویانی که در بندر دنبال جا و خوابگاه می‌گردند و از اونطور متاسفانه قوه قضائیه دستور تخلیه خوابگاه‌های موجود را صادر می‌کند."

دمکراسی به شیوه بانده مذاکره جو

اخیرا نظریه " کوردستان" وابسته به جانشینان و اادامه دهندگان راه قاسملو در شماره ۱۵۳ در مقاله‌ای تحت عنوان " دمکراسی انارشیم نیست" به توجیه سیاست ضد دموکراتیک خود در رابطه با تحمیل درگیری نظامی به حزب دموکرات کردستان ایران- رهبری انقلابی نموده و می‌نویسد: " در چنین حالتی هیچکدام از اصول دمکراسی به این باند اجساره نمی‌دهد که نام حزب دمکرات را برخود اطلاق کنند." دارو دسته مذاکره جو با همین استدلال میان تپی،

درگیری های خونینی را به حزب دمکرات کردستان ایران - رهبری انقلابی تحمیل کرده‌اند و این درحالی است که همین دارو دسته مذاکره جو که سوگند یاد کرده‌اند راه قاسملو را ادامه دهند، درگیری های خونین دیگری را به گوتمه نیز تحمیل کرده‌اند. در چنین شرایطی معلوم نیست ادعاهای پر مدعایی مثل بانکه امیر خسروی، فرخ نگهدار و غلی کشتگر که اکنون به دروغ خود را مدافع دمکراسی می‌دانند، در مقابل این استدلالات سخرفه چه موضعی دارند؟ آیا " اصول دمکراسی " این آقایان نیز به نیروهای حزب دمکرات کردستان ایران - رهبری انقلابی اجساره نمی‌دهد که از نام حزب دمکرات استفاده کنند و مهم تر از آن آیا استفاده از نام حزب دمکرات (حتی اگر چنین استفاده‌ای بر فرض محال مجاز نباشد) می‌تواند سیاست تحمیل درگیری نظامی به این جریان را توجیه کند؟

اعتراض رژیم خمینی به دولت ایتالیا

دنیال فراخوان ۲۰۹ نفر از نمایندگان پارلمان ایتالیا برای به رسمیت شناخته شدن مقاومت ایران سخنگوی وزارت خارجه رژیم خمینی از دولت ایتالیا خواست، موضع رسمی خود را درقبال درخواست نمایندگان مجلس این کشور یعنی برحمانیت از مجاهدین و شورای ملی مقاومت اعلام کند. این سخنگوی رژیم خمینی اظهار داشت: "ایا توجه به حضور دو نفر از وزیران دولت ایتالیا در بین اعضا کنندگان این نامه، ما منتظر پاسخ رسمی دولت ایتالیا هستیم تا متناسب با سیاست این کشور در حمایت از تروریسم در باره روابط خود با ایتالیا تصمیم گیری کنیم. وجود قضای مناسب برای پشتیبانی و تروریستها در مراکز تصمیم گیری چون پارلمان ایتالیا، نمایانگر روحیه فاشیستی و تمایل این کشور به دخالت در امور داخلی دیگر کشورهاست." وی به دنبال تهدیدهای همیشگی از این قبیل افزود: " این امر مسلما عواقب خوبی برای دولت ایتالیا نخواهد داشت."

برطبق اخبار دریافتی، نیروهای حزب اللهی شدت از عزل و نصب های جدید خصمگین هستند و به اشکال مختلف خشم و ناراحتی خود را بروز می‌دهند. در حدود نیمه دوم بهرامه تظاهراتی در میدان امام حسین توسط حزب اللهی ها با شعار مرگ بر سر رقتنجانی صورت می‌گیرد. همچنین دانشجویان وابسته به دفتر تحکیم در دانشکده پلی تکنیک تهران در اوائل این ماه تظاهراتی بر پا کردند که به خشونت کشیده می‌شود. این دانشجویان با پرتاب سنگ، شیشه‌های دانشکده را خورد می‌کنند.

خانمهای افراد زیر را در رابطه با ستاد فرماندهی کل نیروهای مسلح منصوب نمود.

۱- سید حسن فیروز آبادی، ریاست ستاد کل نیروهای مسلح - وی قبلا معاون رقتنجانی در این ستاد بوده است.

۲- محمد فروزنده جانشین رئیس ستاد فرماندهی کل

### خط امام در سنگردفاع از خود

از صفحه ۱

مردم از حقوق مشروع خود استفاده نکنند، بگذارند همه راضی و خشنود باشند" (را دیو رژیم ۶۸/۴/۳۱) موسوی اردبیلی، با طرح این مسأله که "وحدت بدون دادن حق و حقوق طرف مقابل شعنی نیست، برای جناح رفسنجانی و خامنه‌ای خط و نشان می‌کشد. در روز ۲ سپر اسال در مجلس ارتجاع نمایندگان جناح "خط امام" بار هم به شکوه و شکایت می‌پردازند. احمدی نماینده ارتجاع از الیگودرز می‌گوید: "ای امام! ما دیروز در کنار مرقد مطهر تو به همراه اب ت الله موسوی اردبیلی با روح بزرگ تو میثاق بستیم که از راه تو یک قدم عقب نشینیم و می‌دانیم که سبای سنگینی هم خواهیم پرداخت اما تو اینک بگو چه کنیم؟" (رسالت - ۶۸/۷/۳ - تاکید از ماست)

الیاس حضرتی نماینده ارتجاع از رشت میسر برای وزارت امور خارجه خط و نشان می‌کشد و می‌گوید "عزیزان من، برادران من که خودتان را سیاستمدار می‌دانید، اگر طالب ارتباط با غرب هم هستید، اگر دوستدار ارتباط با آمریکا هم هستید، باز هم اصول اولیه دیپلماسی ایجاب می‌کند که ما از موضع قدرت و قوت وارد میدان شویم. هزار راه ذلت و التماسی، آنهم در ارتباط با کشور پست و زذلی مثل عربستان، این با اصول اولیه انقلاب که هیچ، بلکه با اصول اولیه دیپلماسی ما هم منافات دارد. دست دراز کردن آنهم از موضع ذلت به نفع منافع ملی نیست" (رسالت - ۶۸/۷/۳)

روزنامه رسالت متناسب با انعکاس صحبت‌های نمایندگان خط امام، همواره از کانال وابستگان بخوند هشدار می‌دهد که ایشان که امروز دم آزادی و عدم امکان صحبت کردن می‌زنند، دیروز هر صدای مخالفی را در گلو خفه می‌کردند. از طرف دیگر روزنامه رسالت متناسب بهمان‌گونه نظرات تجار بازار و بورژوازی که خواستار تداوم حالت "نه جنگ و نه صلح" است طرحی برای فرار گرفتن در موضع قدرت ارائه می‌دهد. روزنامه رسالت طی سرمقاله دو روز خود، آمادگی برای یک عملیات بزرگ جنگی و گرفتن بخشی از خاک عراق برای ایجاد تعادل جدید را ارائه می‌دهد. روزنامه رسالت در شماره‌های روز ۲ و ۳ سپر اسال در مقاله‌ای تحت عنوان "ما و قطعنامه صلح" مطالب قابل توجهی می‌نویسد. در قسمتی از این مقاله آمده است که: "قابل توجه است که تصرف بسیاری از مناطق پس از پذیرش قطعنامه از جانب ایران صورت گرفته است. طرح زمان بندی شده برای بازپس گیری مناطق اشغالی امکانات و آموزشهای ویژه‌ای لازم داشته و جایگاه خاصی در استراتژی تقویت بنیه دفاعی دارد. اصل تقویت قوای نظامی، هم می‌تواند فکر تجاوز را دفن کند و هم پشتوانه خوبی برای مذاکرات سیاسی باشد. اما به تنهایی تضمینی برای اجرای قطعنامه نیست. یک طرح نظامی در دراز مدت می‌تواند پشتوانه عملی برای مواضع برحق ما در اجرای قطعنامه ۵۹۸، دستیابی به صلح و دلج تجاوز باشد" (رسالت ۳ سپر ۶۸) در چندین شرایطی، ملاقات آخوند بزدی رئیس قوه قضائیه با

همسر راجر کوپر، فرصت بدست مخالفان جناح بازار می‌دهد که به مبارزه با جناح رقیب بپردازند. روزنامه جمهوری اسلامی در شماره روز ۴ سپر ۶۸ خود از صحبت‌های بزدی که گفته بود راجر کوپر را تنها رهبر می‌تواند بمخشد، انتقاد کرده بود. ظاهراً "خط امام" می‌خواهد بعضی از "حقوقی" که خمینی از آن برخوردار بود را برای خامنه‌ای به رسمیت نشناسد. حرف آخوند بزدی کاملاً بر اساس سیستم ولایت فقیه زده شده و به او هیچ ایرادی کسی نمی‌تواند وارد کند. این مشکل مدافعان "خط امام" است که در موضع تدافعی باید به مبارزه با رقیب بپردازند.

نماینده مجلس ارتجاع در روز ۳ سپر ارتباط با اظهارات بزدی و ملاقات با همسر راجر کوپر، وزیر دادگستری را مورد سوال قرار می‌دهند. این یک تعرض آشکار به کابینه رفسنجانی است. وزیر دادگستری این امر را خارج از وظایف خود دانسته و حاضر به پاسخ گویی نمی‌شود. خلغالی نیز ملاقات بسزدی را "بی معنی و بی ارزش" اعلام می‌کند و در مجلسی ارتجاع می‌گوید: "آن دستی که فعالیت می‌کند، برای زدودن افراد انقلابی در این مملکت، باران اسام در این مملکت، آن دست، دست امریکاست، باید به هر طریق آن دست قطع شود" (روزنامه جمهوری اسلامی ۶۸/۷/۶). این سیانت آشکارا جنگ طلبانه، بیان کننده مطامع جناحی است که در جنگ دست به آجنان فارتی زده که در تاریخ فارتگران نیز به سابقه اینست. شکلی که اندوختگی این بخش را بیش از ۱۴۰۰ میلیارد تومان از ملی می‌کنند. اکنون نیز این باند فارتگر برای تداوم حالت "نه جنگ و نه صلح" تلاش می‌کند که بتواند جیب خود را با آن بپراند. از این موضع بین خط روزنامه رسالت و خامنه‌ای از یک طرف و "خط امام" از طرف دیگر وجه مشترکی پیدا می‌شود که عملاً در مقابل خط رفسنجانی قرار می‌گیرند. انتصاب بعضی از سپرهای مهم خط امام در مسئولیت‌های نظامی و توجه بیشتر به سیانت در ارگانهای مثل ستاد کل نیروهای مسلح و... بیان کننده چنین وضعیتی است. رفسنجانی نیز برای اینکه از معرکه عقب نیفتد و ضمتا به مبرانی از شدت و حدت تب جنگ خواهی طرف مقابل بگاهد در نماز جمعه ۷ سپر اسال می‌گوید: "ما هم اهل تجدید جنگ نیستیم... احتمال برگشت به جنگ را کاملاً ضعیف می‌دانیم... نه جنگ، نه صلح هست. ولی ما الان بخشی از نیروهایی که در زمان صلح اونها رو نماید زیر پرچم داشته باشیم، زیر پرچم داریم و داریم خرج می‌کنیم. بخشی از امکاناتمون رو هم داریم صرف تقویت بنیه نظامی می‌کنیم." (را دیو رژیم - ۶۸/۷/۷)

در روزهای ۹ و ۱۲ سپر خامنه‌ای دست به سلسله انتصاب زد و مسئولین "ستاد کل نیروهای مسلح" و اعضای "مجمع تشخیص مصلحت نظام" را تعیین کرد. ترکیب دومی، شکلی است که رفسنجانی در مقام ریاست این نهاد می‌تواند از تضاد بین خط امام و جناح بازار سود جوید. خامنه‌ای در روز ۱۲ سپر در ملاقاتی گفت: "اسرور حمایت از مسئولین قوه سجریه، قضائیه و کمد به آنها یک فریفته شرعی است و تضعیف آنها حرام است." روی سخن خامنه‌ای، با گرداندگان جناح

### کیمیان

پنجشنبه ۱۳ تیر ۱۳۶۸  
۲ ربیع الاول ۱۴۱۰  
۵ اکتبر ۱۹۸۹ - شماره ۱۳۲۷

### رفسرب انقلاب اعضای مجمع تشخیص مصلحت نظام را تعیین کردند

بقیه از صفحه اول  
مجمع تشخیص مصلحت نظام برای ندادن به حال بنسب، می‌کنند:  
- حضرتان فدای ثورای نگهبان  
- ربویای محترم به قوه  
- وزیر مربوط  
- رئیس کمیسیون مربوط مجلس شورای اسلامی  
- حضرات ایان و حجج اسلام: آقای مهدوی قنبر، آقای حاج شیخ یوسف صالحی، آقای حاج سید احمد عینی، آقای حاج سید محمد موسوی نوشینی، آقای حاج شیخ محمد علی بومندی گزلبانی، آقای حاج شیخ حسن ماهینی، آقای حاج شیخ محمدتقی بوشلی، آقای حاج شیخ عبدالله غوری و جناب آقای میرحسین موسوی  
انتخاب مربوط جاهایی با تشکیک و اجازه مجمع مربوط این نهاد قومی و کارزار را به جریان انداخت، نمایندگان جمهوری اسلامی ولایت بزرگ و رقیه ایران را سر حور و زانیان آن باینم فرمائید.  
السلام علیکم ورحمته الله  
سید علی مطهری  
۶۸/۷/۳

### وظایف و ترکیب مجمع تشخیص مصلحت نظام

مجمع تشخیص مصلحت نظام ۴ طار رهبر فرمان تشکیک آن را بر اساس اصل ۱۰۷ قانون اساسی و سایر بندهای دست به مجمع قبل از افراد ایستری تشکیل شده است.  
در این مجمع علاوه بر رهبرای ثورای نگهبان ربویای رفقده، حضرتالاسلام سیدمحمد خبیب، حضرتالاسلام موسوی نوشینی، حضرتالاسلام بوشلی، رئیس موسوی وزیر مربوط - که در مجمع قبل نیز عضویت داشتند افراد زیر نیز اعضای جدید این مجمع خواهند بود.  
آیتالله مهدوی قنبر، آیتالله یوسف صالحی، آیتالله حسن صالحی، حضرتالاسلام والسین مسدغری بومندی گزلبانی، حضرتالاسلام عبدالله غوری و رئیس کمیسیون مربوطه در مجلس شورای اسلامی.  
ضمناً اصل ۱۱۲ قانون اساسی بشرح زیر است:  
"مجمع تشخیص مصلحت نظام برای تشخیص مصلحت در مواردی که مصوبه مجلس شورای اسلامی را ثورای نگهبان خلاف موازین شرع و باقانون اساسی بداند و مجلس یا در نظر اکثریت مصلحت نظام نیز ثورای نگهبان را تعیین کند و خارجه در موردی که رهبری جانی ارتجاع بداند و سایر وظایفی که در این قانون ذکر شده است به دستور رهبری تشکیل می‌شود.  
اعضای ثابت و متغیر این مجمع را نظام رهبروری تعیین می‌نماید.  
رئیس مربوطه به مجمع توسط خود اعضاء تعیین می‌شود، و به تأیید نظام رهبری خواهد رسید."

"خط امام" است که بهر طریق ممکن در ارتباط با پیشروی باید رفسنجانی و باند بازار هشدار می‌دهند. مجله پاسدار اسلام در شماره سپرماه اسال خود می‌نویسد: "اما فقیه مطبوعات داخلی به همین جا منتهی نمی‌شود. گذشته از نشریات غرب زده‌ای همچون کیهان فرهنگی، آدینه، سپر و سیاحت و... که به زبان‌های گوناگون سعی در نشر فرهنگ طاغوتی دارند، "سروش" ارگان صدا و سیما جمهوری اسلامی نیز نباید "عصر جمید" و الزامات آنرا می‌دهد. "سروش" در بعد سیاسی طی گزارش تحلیلی تحت عنوان "تروزیسم، ریشه‌ها و پیامدها" بصورت فنی مسئولین سیاسی کشور را به برقراری رابطه با امریک دعوت کرده است. روزنامه کیهان در شماره روز ۱۲ سپر اسال در مقاله‌ای تحت عنوان "تا کی تزار است در برابر تروزیستهای اقتصادی سپر شود؟" سه فارتگری تجار بازار اشاره می‌کند و خواستار "اقدام"

### خط امام در سنگر دفاع از خود

ایمان می‌شود، در این میان نقش احمد خمینی، جالسب است. وی که شاهد چگونگی سقوط پدرش در جنگ ایران و عراق بوده و آثار نوشیدن زهر از طرف پدرش را لحظه به لحظه لمس کرده است، بخوبی می‌داند که "حزب الله" در شرایطی نیست که بتواند بمسک تعرض قطعی و تعیین کننده به جناح غالب دست بزند. از این جهت به شکوه و شکایت می‌پردازد و در مورد تصفیه حزب الله، بقول خلیفانی "تذکراتی" می‌دهد. خلیفانی احمد را "کانون و آتشفشان" می‌نامد تا شاید رگه نیرت او را تحریک کند. اما او به شیوه دیگری متوسل می‌شود و فرزند برمی‌آید تا با مکاری و عوامفریبی دست آخوند حیل‌گر رفسنجانی را در پوست گردو فرار دهد. سید احمد در روز ۱۶ شهریور خطاب به جمعی که به دیدن او رفته بودند می‌گوید:

"اگر رئیس جمهور عزیز ما شد آمریکا نباشد، در ایران چه کسی شد آمریکا؟ رئیس جمهور ما که تمام هم و غم خود را صرف کرده است تا شاه را از این مملکت بیرون کرده است و آمریکا را از این مملکت بیرون کرده است و ضربه اساسی را بر پیکر آمریکا در منطقه زده است. او شاگرد امام است. او به دستور امام عمل کرده است و امروز هم او کسی نیست که قدمی از خط امام و هدایت‌های امام جدا شود" (رادیو رژیم ۶/۱۶/۶۸).

اگر احمد خمینی تاکید می‌کرد که "خط امام بعد از آتش بس" و هدایت‌های "امام بعد از آتش بس"، حقیقت خط رفسنجانی را گفته است. واقعیت اینست که رفسنجانی هیچگاه شخصیتی چندان مستقل از خمینی نداشته است. او وجهی از شخصیت خمینی را تشکیل می‌داد. بهمانگونه که مثلا شیخ محمد یزدی یا موسوی خوئینی‌ها، وجوه دیگر از شخصیت خمینی را تشکیل می‌دادند. بهرحال احمد خمینی نشان داده است که آمادگی پرچم‌داری "حزب الله" را ندارد. بخصوص در شرایطی که "خط امام" و "حزب الله" فاقد برنامه روشن و درس‌رزمی بسر برده و کاملا در موضع دفاعی قرار دارند. در مقابل هم باید رفسنجانی و هم باند بازار، دارای برنامه‌های مشخصی برای حل مسائل خود هستند. تشریح رسالت وابسته به جناح بازار و مدافعان "فقه سنتی" در یک مقاله دنباله‌دار که در سه شماره روزنامه رسالت تحت عنوان "تلاش برای احیای تزی شکست خورده" بقلم "سید رسول مساوات نژاد" چاپ کرده است. در این مقاله که در روزهای ۶، ۸ و ۹ مهر اسماچ چاپ شده، دیدگاه‌های جناح موسوم به "خط امام" را نقد کرده و خطوط کلی "انحراف" آنان را برمی‌شمارد. سرفاصله روزنامه رسالت ابتدا به این امر می‌پردازد که "این انحراف، در گذشته سیاست خارجی ما را متزلزل و امکان شکل گیری آنرا به تعویق انداخته و در سیاست داخلی روند "حرکت به سمت مطلوب" را متوقف و به سوی "حفظ وضع موجود" سوق داده است." (رسالت ۶/۷/۶۸)

مقاله نویس سپس به انحراف باند "خط امام" در زمینه، سیاست خارجی و روابط بین‌المللی پرداخته و انگیزه‌های مدافعان این انحراف را، "اتخاذ مواضع به اصطلاح انقلابی"، "تامین منافع شخصی در

### کسیان - ۱۳ مهر ۶۸ شماره

## تاکی قرار است در برابر تروریستهای اقتصادی صبر شود؟

طرف روزهای اخیر قیمت برخی از اجناس بیش از پیش روزه فرونی نهاده است. آنچه در این میان مسلم است غیر طبیعی بودن این رونق‌افزایش قیمت‌هاست. بر روی این موضوع، یک حسن را در ذهن تئوریت می‌نماید و آن اینکه، دستهای پنهان برای برآوردن دولت جدیدی آقای پارس در این مردم نیت بافاق روشن آینده، برنامه‌های خاص شده را طراحی کرده و به مرور به اجرا درمی‌آورد.

این دستهای پنهان به کسی جز صاحبان نقدینگی‌های کلان و دلان زلوفنی که هموز از مکتب خون مردمانیاب نشناختند، مربوط نیست. گرچه نقش سازمانهای جاسوسی در حمایت این سبزی اقتصادی - سیاسی نیز باید مدنظر قرار گیرد.

پس شک این عنصر خائن از روبراه شدن اوضاع اقتصادی کشور، در برنامه‌های افلی هاشمی و کابینه جدید قرار دارد. به شدت هراسناک بوده و آینده خود را روشن نمی‌بیند. بدین لحاظ همچنان تا مین مانع و سودهای کلان‌سویه را در آب گل آلوده جستجو می‌کنند.

سپاره چیست؟  
ببینی است چاره کار در گرو یک یا دو عامل نیست بلکه باید عوامل مختلف دست به دست هم داده تا با این روند مخالفان و مبارک‌گیزی‌ها هم از میان همه عوامل می‌تواند نتایج زودرس و شگرفی در چهار این وضعیت مخرب داشته باشد و موفقیت دیگر عوامل نیز تا حدود زیادی بسته به این عامل است و آن عبارت است از: برخورد شدید با تروریستهای اقتصادی که افزایش قیمت‌ها نقش آینه می‌کند و به اعتقاد ما "اعدام" برای بسیاری از آنها یک مجازات کاملا عادلانه است.

پیکار دیگر تاکید می‌کنیم:  
تاریخی که از عناصر دلال و وابسته و طغیان اقتصادی با هر کار چینی ملک امنیت شود و تعدادی از آنها به جیب‌های دار اویخته شوند، همین توان به موفقیت دیگر برنامه‌ها چندان ایدئولوژیست

حاکمیت"، "تضعیف رهبری"، "ایجاد تشنج برای جلوگیری از سامان دادن به وضع اقتصادی کشور" و "تزلزل ثبات بین‌المللی نظام" می‌شمارد. مقاله روزنامه رسالت به تفصیل این انگیزه‌ها را تجزیه و تحلیل کرده و استدلال‌ات سران "حزب الله" را رد می‌کند و در پایان مقاله می‌نویسد: "امروز چیه بخوایم و چه نخواهیم در سراسر جهان قطب‌های قدرت بر سر منافع خود مذاکره نموده و مانع گشته استعداد بالقوه خود را در عمر کوتاه یک دهه به منظور تشکیل یک "قطب قدرت" به فعل رسانده‌ایم، نمی‌توانیم به بهانه حفظ چهره قهرآمیز با جهانی از کفر و الحاد خود را کنار کشیده و تماشاگر صحنه باقی بمانیم و اجازه دهم بدون حضور ما، برای ما و آنجایی که مصالح امت اسلامی در کار است تصمیماتی گرفته شود. ما نیازمند یک حضور جدی در صحنه‌های بین‌المللی بوده و باید این اصل را برای ثبات بین‌المللی و حفظ، تأمین و گسترش منافع خود به رسمیت بشناسیم" (رسالت ۶/۷/۶۸)

مقاله با این جمله که "پیونده یک تر شکست خورده را به بائگانی بسیاریم" به پایان می‌رساند. در زمینه دیپلماسی محمد جواد لاریجانی نیز مقاله لاسی در روزنامه‌های اطلاعات و رسالت نوشته و سیاستی را که از آن دفاع می‌کند را تشریح کرده است. لاریجانی در مقاله‌ای تحت عنوان "امنیت ملی و سیاست خارجی" به چگونگی تحقق اهداف رژیم می‌پردازد و خطوط کلی را که رژیم باید رعایت کند

بشرح زیر جمع‌بندی می‌کند: "ایران اسلامی ام‌القره- ای دارا اسلام است و باید باقی بماند. ام‌القرای دارا اسلام باید امنیت داشته باشد، چه داخلی و چه خارجی. ام‌القرای دارا اسلام باید آباد، توسعه یافته و پیشرفته باشد" (رسالت ۶/۷/۶۸)

بدین ترتیب از دیدگاه به اصطلاح "مدرسه‌های رژیم نیز، رژیم با سیاست" توسعه طلبانه" که از خمینی به ارث رسیده و اینکه می‌خواهد نقش رژیم را در کشورهای اسلامی بصورت یک "قطب" درآورد باید به "توسعه" و "آبادانی" بپردازد. به بیان دیگر رژیم می‌خواهد ضمن احراز نقش "زاندانمردمی" جهان اسلام، در رابطه با غرب، خود را توسعه دهد و بدین ترتیب مسائل خود را حل نماید. وقتی مردم کوچه و بازار به رفسنجانی لقب "اکبرشاه" اطلاق می‌کنند، حقیقت سهمی را به زبان بسیار ساده بیان می‌کنند. زیرا در واقع هدف رفسنجانی از هر سیاستی نه ایجاد یک "رفرم" در وضعیت عمومی جامعه، بلکه رسیدن به سقف رژیم شاه از لحاظ موقعیت منطقه‌ای و برگردن جیب بورژوازی از جنبه داخلی است. بهبودی نیست که از کابینه رفسنجانی، صدای سرکوبگران رسالت از کابینه موسوی بگوش می‌رسد. بهبودی نیست که لاچوردی دوباره بکار گرفته می‌شود و بهبودی نیست که رفسنجانی و شرکا، به "امنیت داخلی" تا این اندازه تاکید می‌کنند. اما چیه رفسنجانی و چه جناح بازار، در رابطه با پیشرفت سیاست هایشان با مشکلات بسیاری روبرو هستند. مهمترین این مشکلات بقرار زیر است:

- ۱- از جنبه ایدئولوژیک با مرگ خمینی و بن بست سیاست‌های او، و اینکه خلا وجود خمینی قابل پر شدن نیست، رژیم در یک وضعیت نا متعین بسر می‌برد. نه آخوند اراکی آدم قابل محاسبه است و نه حوزه‌های ارتجاع در قم و مشهد می‌توانند برای رژیم نقش موثر و مساله حل‌کن داشته باشند. اوضاع داخلی و بین‌المللی اساسا به رژیم اجازه نمی‌دهد که ولایت فقیه را در شکل قبلی حتی اگر توان داشته باشند از جنبه ایدئولوژیک بازسازی کنند. رشته‌هایی که خمینی بافته بود، خود بخود از هم دریده می‌شود، بی جهت نیست که این روزها کلمات "ملی" و "منافع ملی" از زبان گردانندگان رژیم بسیار شنیده می‌شود. رژیمی که بر مبنای "استبداد مذهبی" و یک دستگاه ایدئولوژیک ساخته شده توسط یک "مرجع" جامع‌الشرایط مثل خمینی با تکیه بر سیاست جنگ، سرکوب و تروریسم پیش رفت. اکنون با یک خلا بسیار مهم روبروست. در چنین وضعیتی اقدامات کوچک اساسا برای رژیم ساله حل‌کن نخواهد بود. دستگاه ایدئولوژیک رژیم هم در جنگ (با قبول اجباری قطعنامه ۵۹۸ از جانب خمینی) و هم با مرگ خمینی ضربه خورده است و هیچ چشم اندازی برای بازسازی آن وجود ندارد. بدین لحاظ تشادهای قبلی بی‌من مجلس، شورای نگهبان که در جمع تشخیص مصلحت حل و فصل می‌شد، اکنون با شدت هر چه بیشتر جریان خواهد داشت.
- ۲- در زمینه سیاسی رژیم با قانونی کردن تمرکز، اولین گام را برای حل مسائل خود برداشت. اما قانونی کردن این مساله، با "عملی" کردن آن فاصله

### خط امام در سنگر دفاع از خود

زیاد دارد. ارگان های موازی همچنان در تمامی سیستم وجود دارد و در تمامی تارو بود رژیم تنبیه شده است. ارگان هایی مثل سپاه پاسداران، کمیته های انقلاب اسلامی، انجمن های اسلامی ادارات و کارخانجات، اشم جمعه شهرها و مراکز استان و ... آنچنان نهادهایی نیستند که بتوان آنها را از پای در آورد. این نهادها بر اساس منافعی تشکیل شده و پس از این منافع بیزه مند شده و توده وسیعی نان خور دارد که حاضر نیستند به راحتی تن به تشرک موقعیت بدهند. مضافاً بر اینکه این توده ها هم با شعار "مرگ بر آمریکا" و هم با شعار "جنگ جنگ تا پیروزی" پرورش یافته و از این جهت رژیم در روابط بین المللی و مساله صلح با مشکلات عدیده و غیر قابل حلی مواجه می شود که منشأ و منبع آن همین نیروها و ساختار کلی رژیم است. تنها در شرایطی که عراق از تمامی خواسته های خود بگذرد، رفسنجانی می تواند با چشم پوشی از مساله "غرات" قرارداد "صلحی" را که آنهم چندان پایدار نخواهد بود، امضاء نماید. چنین گذشتی از جانب عراق کاملاً بعید و بنیابری صلح از موضع قدرت برای رفسنجانی مقدور نیست. در رابطه با مناسبات با غرب و بخصوص با آمریکا نیز وضع بر همین منوال است. اگر چندین مساله ای حل شود، و اگر مساله "صلح" حل شود، دیگر بوجود "حزب الله" نیاز چندانی نیست. این را خود حزب الله هم بخوبی می داند و از این جهت وقتی مجبور شد با قبول "تغییر" در قانون اساسی و بخصوص پس از مرگ خمینی در سنگر "دفاع" قرار گیرد، می گوشت بهر نحو ممکن کارشکنی کند. رفسنجانی نیز نمیتوانست در بالاترین نقطه حکومت، یک "سازش" قابل قبول برای باندهای دیگر بوجود آورد. بدین ترتیب در حالی که رفسنجانی برای حل هر مساله سهمی با مشکلات بسیار مبروروست، در درون و بیرون حکومت، مخالفین خود را هرچه بیشتر می کند.

بعضی خیرها دلالت بر این می کند که منتظری به تدریج جای خود را باز می کند، از ملاقات موسوی اردبیلی و منتظری بسیار حرف زده می شود. خط منتظری که گفته بود باید به اول انقلاب برگردیم، در بین حزب اللهی ها هم طرفدارانی پیدا کرده است. و این در حالی است که سازش رفسنجانی و خامنه ای که در واقع سازش رفسنجانی با بازار است، چندان محکم و بدون مساله نیست.

بن بست رفسنجانی را این روزها مدافعان بیسن المللی اش نیز درک کرده اند. دور شدن جریان های بین المللی از رفسنجانی نسبت به لحظه مرگ خمینی یک امر محسوس است. اعتماد به او کاسته شده و این را مطبوعات غربی هم بر زبان می آورند، بوسف ابراهیم مقاله ای برای روزنامه نیویورک تا به تازگی تهران فرستاده که نکات بسیاری را روشن می کند. وی در ابتدای مقاله خود می نویسد: "۴ ماه پس از درگذشت آیت الله خمینی، بنظر می رسد که ایران قادر نیست از نظر سیاست داخلی و خارجی خود، در

سیر روشنی گام بردارد." در پایان مقاله می نویسد "با وجود توری غیر قابل کنترل و کمبود تقریباً تمام کالاهای اساسی، سوال اینست که رفسنجانی تا چه زمانی خواهد توانست در برابر ناراحتی ها مقاومت کند؟"

۲. در زمینه اقتصادی رژیم با انبوهی از مشکلات روبروست. اما مهم ترین مساله، قرضه خارجی است. رفسنجانی برای پیداه کردن برنامه پنج ساله اش حداقل به ۱۰ میلیارد دلار مازاد بر درآمد رژیم احتیاج دارد که باید از طریق وام کسب کند. در این شرایط قرار دادهای کوچکی با کشورهای مترقی و با خسارت یک میلیارد دلاری زاین و با قراردادهای کوچک نفتی نمی تواند مشکل رفسنجانی را حل کند. اما گرفتن وام حتی اگر وام دهندگان هیچ ساله ای نداشته باشند در شرایط کنونی برای رفسنجانی بیادگی میسر نیست. زیرا دسته بندی های درونی رژیم بشرطی حاضرند به این امر رضایت دهند که سهم خود را دریافت کنند و این در حالی است که در شبکه قدرت جای نان و آب داری را اشغال کرده باشند. تازه وام دهندگان که عملاً بانک جهانی است شرایطی را برای رژیم در نظر گرفته اند که در جوهر خود سیاسی است. چه تثبیت قیمت دلار و چه ساز گذاشتن دست بخش خصوصی و چه برداشتن نهادهای کنترل کننده بر ارگان های اقتصادی، شرایطی نیست که رفسنجانی بتواند حل نماید. سیاست های گام به گام هر مساله اقتصادی، بر بحران اقتصادی بشدت می افزاید. بالا رفتن قیمت ها و پیاپی شدن قدرت خرید مردم، اوضاع را هر چه بیشتر بحرانی می کند. مساله قیمت ها اکنون سرخطی است که بسیاری از دست اندرکاران را در آورده است. اگر سیاست کنونی و مساله سویدها کنار گذاشته شود (امری که وام دهندگان جهانی خواستار آنند)، در این صورت باید شاهد آنچنان فلاکتی در زندگی مردم باشیم که در نوع خود بی سابقه خواهد بود. با یک چنین مجموعه ایست که می توان چگونگی تنظیم مناسبات بین باندهای رفسنجانی، باند بازار و باند "خط امام" را درک کرد. "خط امام" اکنون در موضع مغلوب قرار گرفته ولی از آنچنان قدرتی برخوردار است که می تواند باند رفسنجانی را فلج نماید.

حزب الله دیگر هرگز قادر نیست در موضع غالب در قدرت سیاسی قرار گیرد. اما حذف و یا استحاله او نیز ممکن نیست. این مکانیسم باید به نقطه تعیین کننده کشیده شود. نقطه تعیین کننده، نقطه ایست که مردم و مقاومت انقلابی قادرند حرف خود را بزنند. این حرف تنها راه نجات مردم از اوضاع نابسامان و بحران کنونی است.

### امنیت ملی و سیاست خارجی

محمد جواد لاریجانی

اینک انبادهای گمان محرم تهران در نظر قبل از دستور هدایت گدشته خویش هشت مطالب مسوع در مورد سیاست خارجی اشاره به نکته ای من مهم داشته، اینکه: منای اصلی روابط خارجی ما دستیابی به منافع ملی ماست نه صرفاً یک حرکت دیپلماتیک. این سخن من گرافندرو اساسی است به شرط اینکه بدانیم منافع ملی صرفاً چیست؟

۲. اینک به اهمیت شرط فوق الذکر رسم کافی است به بخش دیگری از سخنان نماینده محرم تهران توجه نمائید: «منافع مشترکمان با جهان غرب وقتی بدست خواهد آمد که از مواضع انقلابی خودمان عدول کنیم... ما منافع مشترکمان با کشوری مثل غربستان وقتی هست که او هم منافع مشترک و منافع ملی اش سه منافع ملی ما باشد.» هیچ معلوم است که چگونه «صاف» مشترک ما «صاف» ملی مشترک» یکسان شده است!!

آیا نمی توان معامله ای داشت که دو طرف آن دنبال اغراض گوناگون باشند؟ آیا هنگامیکه خانه ای می خرید شما فروشنده دنبال یک غرض واحد هستید؟ آیا هنگامیکه پیمان (رض) با بورد منافی مدینه قرارداد صلح حدیبی را منعقد کردند امت اسلام و یهود «صاف» ملی «مشترک» داشتند یا «صاف» مشترک؟ آیا هنگامیکه نفت خود را متلاً به چین یا آلمان و یا فرانسه و انگلیس می فروشیم منافع مشترک داریم «صاف» ملی «مشترک»؟

۳. تقاضای مناسبات با غرب و بخصوص با آمریکا در این مساله که رفسنجانی می داند و از این جهت وقتی مجبور شد با قبول "تغییر" در قانون اساسی و بخصوص پس از مرگ خمینی در سنگر "دفاع" قرار گیرد، می گوشت بهر نحو ممکن کارشکنی کند. رفسنجانی نیز نمیتوانست در بالاترین نقطه حکومت، یک "سازش" قابل قبول برای باندهای دیگر بوجود آورد. بدین ترتیب در حالی که رفسنجانی برای حل هر مساله سهمی با مشکلات بسیار مبروروست، در درون و بیرون حکومت، مخالفین خود را هرچه بیشتر می کند.

۴. آری، منای سیاست خارجی و سیاست داخلی هر دو رسدن به «صاف» ملی «است» و «صاف» ملی، از سرچشمه مهم نشأت می گیرد: سازمان اسلامی ام القری دارالاسلام است و باید دانی باشد: سام القری دارالاسلام باید امت داشته باشد چه داخلی و چه خارجی، ام القری دارالاسلام باید آباد، توسعه یافته و پرفرجه باشد.

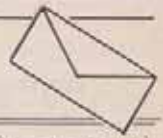
سازمان هنگام بررسی ارتباط با هر کشور باید از خود سؤال کنیم: این ارتباط برای چیست یا در جهان اسلام چه نفی دارد؟ این ارتباط برای امت ام القری چه نفی دارد؟ و بالاخره این ارتباط برای توسعه و آبادانی ایران اسلامی چه دستاوری خواهد داشت؟ دو کشور بر منای منافع مشترک می توانند روابط برقرار کنند اما بر اساس «صاف» ملی «مشترک» «صاف» و با هم بنام می شوند!

دوازدهم زسانت - ۶۸/۷/۸

### اخبار و رویدادها

- ۱. از صفحه ۴
- نیروهای مسلح - وی قبلاً رئیس قرارگاه خانما لایبیا بوده است.
- ۲. غلامعلی رشید، معاون لجستیک و تحقیقات صنعتی ستاد کل.
- ۳. حسین امیر موش، معاون اطلاعات و عملیات ستاد کل، قبلاً این سمت را شخصاً بعهده داشت.
- ۴. سرتیپ علی صیاد شیرازی، معاون طرح و برنامه

- و بودجه ستاد کل
- ۵. سرتیپ دوم محمد باقر خوشنویسان معاون بازرسی و معاونت نیروی انسانی - قبلاً این سمت را افسار بعهده داشت.
- نکته قابل توجه اینست که هم سخنانی و هم افشار از افراد وابسته به باند رفسنجانی بودند که در ترکیب جدید ستاد فرماندهی کل نیروهای مسلح رژیم کنار گذاشته شده اند.



## نامه‌های از ایران

در مورد مراسم مرگ خمینی، و... (۱۰۰)

در این بخش از نامه‌ام به سه موضوع می‌پردازم. ابتدا به آنچه دست اندرکاران رژیم نام‌آنها تشییع جنازه به اصطلاح چند میلیون‌گانه کرده‌اند و چگونگی کرده‌آوری آن می‌پردازم. دوم آنچه مربوط به تعیین رهبر جدید که موجب انتخاب خامنه‌ای با عجله شد و مشکلاتی که بعداً در همین رابطه پیش آمد. و با لایحه به سه ساله تعیین رئیس جمهور و مشکلات ثانوی که در ارتباط با استعفای رئیس جمهور قبلی که دو سمت رهبر و رئیس جمهور را داشت پیش آمد خواهیم پرداخت.

آنچه در ارتباط با تشییع جنازه خمینی و گسود آوری مردم و چگونگی تشییع در اینجا نوشته می‌شود با استناد به سوابقی است که خودم و دوستانم از شرکت کنندگان در این تشییع جنازه کرده‌ایم و آنچه در ارتباط با تعیین جنازه نیز نوشته می‌شود با استناد به دیده‌هایی است که بطور زنده از تلویزیون پخش می‌شد که بعداً همین فیلم‌ها نیز بدست ما رسیده است. آنچه همه می‌دانند اینست که مرگ خمینی را به مدت تقریباً ۲۰ ساعت به اطلاع مردم رساندند. در این مدت سران دولت برنامه کارها را ریخته و پس از آن به کلیه ادارات و کارخانجات و کلیه نهادها و شرکتها و غیره اطلاع دارند که باید همگی در صلابت تهران بمانند و بدون استثناء این کار باید انجام شود. ما همین صبح و نیز صبح‌های از مردم عادی که قصد تماشا داشتند موضوع دیدار روز اول پایان یافت. ولی جنازه را از محل صلابت تهران که در یک محفظه شیشه‌ای قرار داشت بیرون نبردند و در این مدت سه روز طول کشید تا نقشه‌ای که قبلاً تهیه کرده بودند انجام شد. بطور محرمانه به کلیه ترمینال‌های مسافری و شرکت‌های انبوسازی دستور دادند که شهرهای مختلف عزیمت و مردم را بطور مجانی به تهران بیاورند و ضمن اینکه به همه آنها گفته شده بود که یک هفته از نظر رفت و برگشت، نهار، شام، میخانه، سرویس خواب و غیره بطور مجانی بهمان دولت خواهند بود. و به کلیه ادارات و کارخانجات و شرکت‌های تابعه دولت در شهرستانها نیز دستور داده شده بود که با وسیله نقلیه و انبوسازی که بطور رایگان فرستاده شده خود و خانواده‌هایشان باید به تهران بیایند. اکثریت اینها جرات نکردند که بیایند. بعلاوه مسافرت مجانی به تهران و یک هفته بهمان بودن و از همه سهمیه یک هفته کار نکردن با حقوق و در تهران بسر بردن آرزوی خیلی‌ها بود و لذا بوسیله هزارها انبوس و وسائل نقلیه دیگر، شب و روز افراد را از شهرها به تهران می‌آوردند و در بهشت زهرا از آنان پذیرایی می‌کردند و بقسمول خودشان جهاد سازندگی در این مدت شدت مشغول تهیه چادر و وسایل خوراک و آب مردم بود و در این مدت چند روز، هر روز تشییع جنازه را به دلائی که اعلام می‌کردند عقب می‌انداختند و مشغول آوردن افراد به تهران بودند. در روز تشییع جنازه مردم را در ۳ کیلومتری محل قبر خمینی در آفتاب ۲۵ درجه نگه‌داشتند تا از جمعیت از طریق زمین و هوا فیلم

برداری کنند. اما با تمام برنامه‌هایی که ریخته بودند، اوضاع و احوال اطراف محل شدت دستخوش آشوب و بلوا شد و لذا چند بار هلی کوپتر حامل رفسنجانی و خامنه‌ای که می‌خواست به زمین بنشیند، دستخوش حمله مردم شد که نتوانست به زمین بیفتد. یکبار مردمی که معلوم نبود دوست دولت هستند یا دشمن دولت و با احمق ناپوت حامل جنازه را پایین کشیدند و هرچه خواستند با جنازه کردند. ابتدا کفن او را پاره کرده و سپس حتی موهای صورت و بدن خمینی را نیز کهنند و این وضع به هیچوجه قابل پیش بینی گردانندگان هم نبود. معلوم نشد که این کار از طرف دوست صورت گرفته یا دشمن؟ من فکر می‌کنم کسانی که این کار را کردند، دوست حکومت آقای خمینی نبودند و حالا اگر دشمن بودند چگونه خودشان را به آن نزدیکی رسانده‌اند خیلی سهم است. البته تلویزیون بطور زنده این مناظر را پخش می‌کرد. سرانجام با زحمت زیاد مجدداً جنازه را به هلی کوپتر بردند و اعلام کردند که امروز جنازه دفن نمی‌شود و مجدداً آنها را منظره بردند تا غسل و کفن مجدد کنند. چند ساعت بعد پس از کفن کردن مجدد و در حالی که عده‌ای از مردم متفرق شده بودند، مجدداً جسد را آوردند و دفن کردند. البته فیلم این صحنه را در روزهای بعد به شدت پخش کردند و حتی فیلم‌های خبرنگاران خارجی را که از طریق تلویزیون تهیه کرده بودند را اجازه ندادند به خارج فرستاده شود که مورد اعتراض شدید خبرنگاران واقع شد و سرانجام تلویزیون‌های رسان تعدادی از صحنه‌ها را اجازه دادند که مشاهده شود. اما افرادی را که بعنوان سپاه آورده بودند در میانها را کرده بودند و این افراد خیلی عمیالی و ناراحت بودند. با عده‌ای از آنها من و دوستانم صحبت کردیم. می‌گفتند ما چون تا بحال تهران را ندیده بودیم و قدرت مالی و فرصت کاری هم برای آمدن به تهران نداشتیم، از این موقعیت مجانی استفاده کردیم ولی نمی‌دانستیم ما را به این بدبختی می‌کشند این بود خلاصه‌ای از حضور به اصطلاح چند میلیون "مردم" در تشییع جنازه خمینی.

گردانندگان اصلی حکومت با حیل‌های مختلف سر مردم را به این مزاداری ساختگی گرم کردند. ما مردم که منتظر فرصت بودند تا از مرگ خمینی برای ابراز مخالفت استفاده کنیم، نتوانستیم هیچگونه حرکتی انجام دهیم و ضمناً افراد را به تهران کشیدند برای اینکه بگویند مردم با رژیم فعلی موافق هستند. در همین شرایط، آخوندها با یک جلسه بسک رهبر جدید برای حکومت انتخاب کردند. بهرحال بدون در نظر گرفتن بعضی از جوانب امر خامنه‌ای در حالی که رئیس جمهور بود و دوماه و اندکی از ریاست جمهوری مانده بود، بعنوان رهبر انتخاب شد. پس تعریف‌های آخوندها شروع شد. در این مورد بخصوص رفسنجانی خیلی تعریف و تحجید کرد تا در ظاهر نشان دهند که همه موافق خامنه‌ای بودند، ولی گویا خیلی‌ها از این مساله ناراحت و ناراضی هستند. چون خیلی از آخوندهای دیگر که بلند پایه

و مجتهد هستند برای این مقام خود را بهتر می‌دانند. بعداً بهتر معلوم شد که پست‌ها تقسیم شده و قرار گذاشته بودند که رفسنجانی هم رئیس جمهور شود که او هم با یک انتخابات قلابی رئیس جمهور شد و در این میان در مجلس فقط یک نماینده با جرات و شهامت پشت تریبون رفت و مثل منتظری حرف‌هایی زد و آخر هم گفت که از نمایندگی استعفا می‌دهد. یکی از حرف‌های مهم او این بود: او گفت: "آینده کشور را تاریک می‌بینم و هدفی شما فلان خواهید شد." کرویسی که در آن موقع معاون رئیس مجلس بود نماینده کرج را تهدید کرد که "بایست محاکمه شود" تا دیگر کسی جرات نکند از این حرف‌ها بزند و با لایحه هم معلوم نشد که چه پیرو نماینده کرج آوردند. هیچکس نمی‌داند که او کجاست و چه میکند.

اما بعد از آنکه رفسنجانی رئیس جمهور شد و حکم خود را از دست خامنه‌ای گرفت، معلوم شد که او فعلاً نمی‌تواند رئیس جمهور باشد، چون هنوز خامنه‌ای دو ماه به مدت ریاست جمهوری مانده بود و در این میان محتشمی بعنوان وزیر کشور این مساله را مطرح کرد تا دوماه دیگر آقای رفسنجانی نمی‌تواند رئیس جمهور شود و خامنه‌ای هم نمی‌تواند استعفا بدهد چون خامنه‌ای بعنوان رئیس جمهور استعفا بدهد را باید به رهبر بدهد و او خودش رهبر است و نمی‌تواند استعفا بدهد. با خودش بدهد. البته ماجراهای دیگری هم در پنهان اتفاق می‌افتاد و بعضی مواقع کشمکش‌ها غلی می‌شد. در آن موقع موسوی هم دیگر حاضر نبود کار کند. با لایحه برای آنکه محتشمی که وزیر کشور بود از این سمت برفت و دیگری جری بزند، خامنه‌ای طی نامه‌ای به رفسنجانی نوشت که "از امروز شما رئیس جمهور هستید" و کنار رفسنجانی شروع شد. و رفسنجانی هم گفت چون خامنه‌ای کسی را مخاطب نداشت که استعفا بدهد، مرا که حکم رئیس جمهوری دارم مأمور تشکیل کابینه کرد. بدین ترتیب دولت موسوی ساقط شد و محتشمی نیز غیرنرم اینک ۱۳۶ نفر از نمایندگان مجلسی از رفسنجانی ابقا و او را خواسته بودند، توسط رفسنجانی کنار گذاشته شد و خلاصه بیشتر مراسم‌ها را کنار گذاشته‌اند تا شاید بتوانند کاری انجام دهند. مردم را هم با کوبین و تون و گوشت و روغن سرگرم کرده‌اند. تا چه پیش آید.

تهران - شهریور ۱۳۶۸

|                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                   |                                                                                                                                                                                                                                                                                                               |
|-----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|---------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| <p>مردم ایران<br/>رژیم خمینی به تعقیب، بازداشت، شکنجه و اعدام افسران و درجه‌داران و سربازانی که در جنگ ضد مردمی خمینی شرکت نکرده‌اند، مبارزات مسیور زد. برای توقف چنین امری، بپاخیزید و باسنگونی رژیم خمینی، ملحق و آزادی را در جامعه مستقر سازید.</p> <p>سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران<br/>پیرو برنامه (هویت)</p> <p>۲ - ۲</p> | <p>کارگران و کارمندان ایران<br/>برای آزادی تشکیل‌های کارگری و کارمندی، برای انحلال انجمن‌های ضد کارگری و برای توقف کشاکش زندان‌های سیاسی بپاخیزید، متحد شوید، به مبارزه مسلحانه انقلابی بپیوندید و رژیم خمینی را سرنگون سازید.</p> <p>سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران<br/>پیرو برنامه (هویت)</p> <p>۲ - ۱</p> |
|-----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|---------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|





گفتاری از رادیو صدای کردستان در ۵ مهرماه ۶۸  
تحت عنوانانتقاد سازنده  
یا سکتاریست؟

مسأله سیاسی و نظری پدیده‌ایست ضروری و مثبت که باید میان نیروهای مترقی و انقلابی وجود داشته باشد. این نیروها هرگاه موضع‌گیری سازمان و حزب دیگری را درست تشخیص دادند حق دارند با مصلحت انتقاد آموخته چنین موضع‌گیری را یا عملکردی را مورد بررسی قرار دهند. اگر چنین بررسی انتقاداتی با توجه به منافع انقلاب و توده‌های مردم صورت پذیرد و با سکتاریسم و منافع سازمانی در هم نماند کار نیست بجا و قدسی است سودمند و بدون بریدگی تنها موجب بروز اختلافات در میان نیروهای سیاسی نخواهد شد بلکه در تحکیم روابط دوستانه این نیروها اثرات مثبتی بر جای خواهد گذاشت.

حزب ما که نظرات تحمل نکردن دیدگاه‌های مختلف و انتقاد آموخته را بخوبی تجربه کرده است و با موضع‌گیریهای انقلابی خود این پدیده ناسالم و زشت را از دامن حزب زدوده است از انتقاد سازنده استقبال می‌کند و آنرا زمینه‌ساز روابط نزدیک و هر چه بیشتر در میان سازمانهای سیاسی ارزیابی می‌نماید.

ما هرگز انتظار نداریم سازمانهای سیاسی در مقابل مواضع و عملکردهای ما سکوت اختیار کنند همانگونه که ما هم در مقابل مواضع و عملکردهای آنان ساکت نخواهیم ماند. نظری که باید در اینجا سه‌آن اشاره شود اینکه انتقاد گرفتن از نظرگاه یک سازمان انقلابی نباید با هدف کوبیدن و بی اعتبار کردن آن صورت بگیرد و نتیجتاً این کار باعث ایجاد فضای آشفته در میان سازمانهای سیاسی گردد. در آنصورت دیگر پدیده‌ای بنام انتقاد سازنده باقی نخواهد ماند و کار سازمانهای سیاسی به مشاجرات لفظی و دعوای قلبی خواهد انجامید و این پدیده زبان بخش است و منافات در میان بسیاری از سازمانهای سیاسی ایران وجود دارد. بعضاً نیز پیش می‌آید که سازمانی در پوشش انتقاد سازنده آگاهانه یا تحت تاثیر منافع سازمانی اصول انتقاد گرفتن را زیر پا می‌گذارد و هنگامیکه در ضد برمی‌آید از سازمان دیگری به انتقاد پردازد صاف و ساده به او می‌گوید به چه علت شیوه تفکر مرا نمی‌پذیرید و سیاستها و مواضع خود را بر اساس معیارهای ما بی‌ریزی نمی‌کنید.

یکی از سازمانهای که تا حالا چندین بار به چنین موضع‌گیری‌هایی پرداخته سازمان کارگزاران انقلابی ایران - راه کارگر است. آخرین نمونه از شیوه برخورد انتقاد آموخته از سوی راه کارگر برخوردی بود که نسبت به سخنان رفیق حسن رشتکار جانشین دبیر کل حزب از سوی این سازمان صورت گرفت. راه کارگر در این شیوه برخورد بجای آنکه به اظهار نظر پردازد حکم داده و می‌گوید در آن مباحثه کاک حسن رشتکار ضمن تعریف و تمجید بسیار از سازمان مجاهدین بطرح سالهایی پرداخت که با همه امتیازاتی که حزب دمکرات به سازمان مجاهدین داده است فرق دارد. همین راه کارگر به بحث در باره سازمان

## دورسازمانهای خبری جهان

رادیو بی بی سی در برنامه روز ۲ سپهر اسفند خود طی گفتاری پیرامون ملاقات وزرای خارجه آمریکا و اتحاد شوروی و نتایج آن گفت: " مذاکرات و زاری خارجه آمریکا و شوروی در جوی معلو از خوش بینی با تمیزیکات متقابل و در حالی که کام‌های مهمی به پیش برداشته شده است، پایان یافت. اجلاس بیسن بوش و گورباچف در اواخر بهار با اواصل تایلستان آینده از دستاوردهای این مذاکرات بوده است. شوروی همچنین اعلام کرده است که حاضر به عقد سوافتننامه‌ای به منظور کاهش ۵۰ درصد از تعداد موشک‌های قاره بیما است. در جریان همین مذاکرات در روزه بین وزرای خارجه آمریکا و شوروی آنگلند افغانستان نیز مورد بحث و بررسی قرار گرفت. یکی از مفسرین بی بی سی در گفتاری در این باره می‌گوید: پس از چند ماه، رسیدگی به چنین موضوعی از طرف وزرای خارجه آمریکا و شوروی غیر قابل پیش بینی بنظر می‌رسد. اما رفته رفته آمریکا به این نتیجه رسید که یافتن یک راه حل سیاسی برای مسئله افغانستان شاید واقع بینانه‌تر از یک راه حل نظامی باشد. حمایت آمریکا، چین، عربستان و سایرین از مجاهدین افغان با این امیدواری که خروج نیروهای

مجاهدین خلق پرداخته و نظرات خود را درباره آن همان تکرار نموده از ما نیز می‌خواهد که نظرات غیر اصولی رشتکارگر را در این رابطه بپذیریم و مانند آن موضع‌گیری سکتاریست را کارگر خوب می‌داند که موضع ما در برابر مجاهدین خلق با موضع آن سازمان در این خصوص تفاوت زیادی دارد همانگونه که نسبت به سازمانهای دیگر نیز چنین است. ما بارها اعلام کرده‌ایم که ما سازمان مجاهدین خلق ایران روابط دوستانه‌ای داریم و نیز خلاف نظر راه کارگر ما نه فقط سازمان مجاهدین را ضد انقلابی نمی‌دانیم بلکه آنرا بعنوان سازمانی می‌شناسیم که در صف انقلاب قرار دارد. از این رو کاملاً طبیعی است که هرگاه بحثی درباره سازمان مجاهدین خلق ایران به میان می‌آید گفته‌ها و نظرات ما باید با نظرگاههای راه کارگر تفاوت زیادی داشته باشد.

لیکن راه کارگر که نمی‌تواند از چهارچوب تنگ منافع سازمانی اش قدسی بگذارد قادر به درک چنین مسأله‌ای نیست و براین باور است که در رابطه با یک ساله مشخص باید همگان مواضع راه کارگر را بگیرند.

البته چنین انتقادی کاملاً نادرست و نمی‌تواند به هیچ عنوان قابل قبول باشد. چرا که چنین انتظاری بدین معناست که راه کارگر بجای ما نظر بدهد و تصمیم بگیرد. علاوه باید پرسید در کجای عالم دیده و شنیده که هرکس سپهر شیوه‌ای در باره سازمان دیگری اظهار نظر نمود به آن سازمان امتیازی داده است؟ آیا آن زمان که در کنفرانس چهارم حزب از راه کارگر بخاطر مساعدت‌هایی نسبت به رهبری انقلابی مانند سازمان‌های دیگر تشکر می‌شود یا هنگامیکه دبیر کل

در صفحه ۱۱

شوروی منجر به سرنگونی رژیم کابل و تشکیل دولتی متشکل از مجاهدین افغان خواهد شد، جامعه عمل به خود نپوشاند. برعکس از اعتبار سیاسی و نظامی مجاهدین به شدت کاسته شد و رفته رفته امکان سرنگونی نجیب الله توسط اقدامات نظامی مجاهدین بعید و بعید تر شد. اگر چه دولت بوش رسماً هنوز معتقد به لزوم حمایت از چریک‌های افغان و دولت موقت است، اما بنظر می‌رسد که این سیاست مورد یک ارزیابی جدی است. سوالی که اینک مطرح است این است که اگر با مسائل نظامی نتوان موضوعات سرکناری نجیب الله را فراهم کرد، آیا می‌توان یا حربه سیاسی به این نتیجه رسید؟ به اعتبار دیگر آیا ممکن است توافق دوا بر قدرت سرکناری نجیب الله را امکان پذیر کند؟ تجدید نظر آمریکا در سیاستش در قبال مجاهدین و احتمالاً تجدید نظر مشابهی توسط بی نظیر بوش در مورد سیاست پاکستان نسبت به مسئله افغانستان هنوز به پایان نرسیده است. اما اگر بیست فعلی در افغانستان ادامه یابد بیستی که نهایتاً به نفع پرزیدنت نجیب الله خواهد بود، احتمالاً فشار بیشتری برای یافتن یک راه حل سیاسی اعمال خواهد شد.

## برخی از رویدادهای تاریخی

- از صفحه ۱۲
- ۱۱/۸/۱۳۵۹ - اعلام مسئولیت انتشار روزنامه‌های مجاهد، بازوی انقلاب و فریاد گومدشین توسط داستانی ارتجاع
- ۱۳/۸/۱۳۵۹ - قتل عام روستایان اشترقاش توسط مزدوران خمینی
- ۱۷/۸/۱۳۶۲ - تصویب طرح " خودمختاری کردستان ایران" در شورای ملی مقاومت
- روزهای بین‌المللی:
- ۲۴ اکتبر - ۲ آبان - روز ملل متحد
- ۱۰ نوامبر - ۱۹ آبان - روز جهانی جوانان
- ۱۷ نوامبر - ۲۶ آبان - روز جهانی دانشجوی خارجی از ۲۳ اکتبر تا ۲۲ نوامبر
- ۷ نوامبر ۱۹۱۷ - پیروزی انقلاب سوسیالیستی در روسیه و ایجاد کشور اتحاد شوروی
- ۱۰ نوامبر ۱۹۴۵ - تشکیل فدراسیون جهانی جوانان دمکرات
- ۲ نوامبر ۱۹۵۰ - درگذشت جرج برنارد شو نمایشنامه نویسنده و نویسنده بزرگ ایرلندی
- ۱ نوامبر ۱۹۵۲ - آغاز قیام مسلحانه مردم الجزایر علیه نیروهای اشغالگر فرانسوی
- ۲۴ اکتبر ۱۹۶۶ - روز استقلال جمهوری زامبیا
- ۱۱ نوامبر ۱۹۷۶ - پیروزی مردم آنگولا بر استعمارگران پرتغالی و تأسیس جمهوری خلق آنگولا
- ۲۶ اکتبر ۱۹۸۳ - تهاجم نظامی آمریکا به گرانادا واقع در دریای کارائیب
- ۲۱ اکتبر ۱۹۸۴ - ترور جنایتکارانه ایتدیراگاندی نخست وزیر فقید هند
- ۴ نوامبر ۱۹۸۴ - برگزاری اولین انتخابات دمکراتیک عمومی در نیکاراگوئه و پیروزی جنبه ساندینیست در این انتخابات

مناسبت سالروز تصویب طرح خود مختاری کردستان  
در شورای ملی مقاومت

## طرح شورای ملی مقاومت برای خود مختاری کردستان ایران

نظر به اینکه مردم ایران با انقلاب خود " آزادی و استقلال" را به عنوان دو اصل عمومی و تفکیک ناپذیر مطرح کرده اند،  
نظر به اینکه شورای ملی مقاومت براندازی رژیم خمینی و برقراری نظام سیاسی مبتنی بر اراده و حاکمیت مردم را وجهه همت خود قرار داده است،  
نظر به اینکه دخالت و مشارکت مردم در اخذ و اجرای تصمیمات سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی شرط لازم تحقق دموکراسی در یک کشور است،  
شورای ملی مقاومت به منظور تأمین و تقویت هرچه بیشتر حاکمیت مردمی و تمامیت ارضی و یکپارچگی و وحدت ملی کشور و نظر به مبارزات عادلانه مردم کردستان برای تأمین دموکراسی در ایران و خود مختاری در کردستان و به منظور رفع تمام مشاغل از ملیت ستمزده کرد، طرح حاضر را برای تأمین خود مختاری کردستان ایران اعلام می دارد. این طرح در چارچوب برنامه شورای ملی مقاومت و دولت موقت جمهوری دموکراتیک اسلامی ایران و وظایف مبرم دولت موقت قابل اجراء و مشخص بر اساس ماده ۲ وظایف مبرم دولت موقت مبنی بر " پایمان دادن به جنگ ضد خلقی علیه مردم کردستان با اعلان خود مختاری در چارچوب تمامیت ارضی ایران، کوشش برای محو آثار این جنگ" تنظیم و تصویب شده و رهنمون عمل آینده دولت موقت در باره خود مختاری کردستان خواهد بود.

ترتیبات و نحوه اجرای طرح حاضر را دولت موقت جمهوری دموکراتیک اسلامی ایران مشخص خواهد نمود. دولت موقت موظف است برای تحقق این طرح تلاش های لازم را مبذول دارد.

۱- منطقه خود مختار، تمامی کردستان ایران را شامل می گردد. قلمرو جغرافیایی این منطقه از طریق مراجعه به آراء عمومی مردم منطقه کردنشین کشور تعیین می شود.

۲- ارگان قانونگذاری در امور داخلی منطقه خود مختار، شورای عالی کردستان است که نمایندگان آن از طریق انتخابات آزاد برای عمومی، مستقیم، مساوی و مخفی انتخاب می شوند. قوانین عمومی جمهوری در منطقه خود مختار لازم الاجراء است. مصوبات شورای عالی کردستان نباید ناقض قوانین عمومی جمهوری باشد.

۳- اداره کلیه امور منطقه خود مختار کردستان بجز اموری که ذیلا در صلاحیت دولت مرکزی شناخته می شود در صلاحیت ارگان های خود مختاری است.

تعیین عالیترین ارگان ها برای اداره این امور و نظارت بر فعالیت آنها به عهده شورای عالی کردستان است.

۴- حفظ انتظامات داخلی منطقه خود مختار به عهده ارگان های خود مختاری است که نیروی متناسب برای این امر را با مراعات ماده ۲ طرح حاضر سازمان

خواهند داد.

۵- امور مربوط به سیاست خارجی و روابط خارجی، امنیت سراسری جمهوری و دفاع ملی ( شامل حراست از مرزها، حفظ تمامیت ارضی و وحدت جمهوری ) در صلاحیت دولت مرکزی است. ارتش در منطقه خود مختار کردستان نیز مانند دیگر نقاط ایران حق دخالت در امور انتظامی داخلی ندارد.

۶- امور مربوط به تجارت خارجی و گمرکات، تعیین نظام پولی و مالی کشور، انجام وظایف مربوط به بانک مرکزی، تنظیم بودجه عمومی و برنامه های اقتصادی که اهمیت سراسری دارند و یا مستلزم سرمایه گذاری های کلان هستند در صلاحیت دولت مرکزی است.

اداره های سایر امور اقتصادی منطقه خود مختار در صلاحیت ارگان های خود مختاری است. بهره برداری از منابع طبیعی و ثروت های عمومی کشور که اهمیت سراسری دارند در صلاحیت دولت مرکزی است که به نفع همه مردم ایران صورت می گیرد. در منطقه خود مختار کردستان ارگان های خود مختاری دولت مرکزی را در بهره برداری از این منابع و ثروت ها یاری خواهند نمود.

۷- زبان کردی، زبان رسمی تدریس و مکاتبات داخلی در منطقه خود مختار است و در همه مراحل تحصیلی حق آموزش به زبان کردی برای ساکنان منطقه به رسمیت شناخته می شود.

زبان فارسی، در منطقه خود مختار نیز مانند دیگر مناطق ایران به زبان رسمی است و در مدارس همراه با زبان کردی آموزش داده می شود. مکاتبات ادارات منطقه خود مختار کردستان با مرکز و سایر مناطق ایران و نیز با ادارات وابسته به دولت مرکزی در منطقه خود مختار به زبان فارسی صورت می گیرد. کلیه ساکنان غیر کرد در کردستان خود مختار در اشاعه فرهنگ خود آزادند و حق آموزش به زبان خود را دارند.

۸- کلیه حقوق و آزادی های مصرح در اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق های بین المللی مربوط به آن، نظیر آزادی عقیده و بیان، آزادی مطبوعات، آزادی تشکیل و فعالیت احزاب و سازمان های سیاسی، اتحادیه ها و شوراهای کارگری، دهقانی و صنعتی، انجمن های دموکراتیک، آزادی انتخاب شغل و محل اقامت و آزادی مذهب در کردستان خود مختار همانند دیگر نقاط ایران تعیین می شود. کلیه ساکنان کردستان اعم از زن و مرد همانند ساکنان سایر مناطق ایران بدون هر نوع تبعیض جنسی، قومی، نژادی و مذهبی از تساوی حقوق اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی برخوردار خواهند بود.

۹- نظام قضایی جمهوری واحد است و در منطقه خود مختار دادگاهها طبق قوانین جمهوری و همچنین قوانین مصوب شورای عالی کردستان، به دعوی رسیدگی خواهند نمود.

نیروهای انتظامی خود مختار کردستان، همانند نیروهای انتظامی دیگر نقاط کشور شایط دادگستری بوده و ملزم به اجرای احکام و دستورها و قرارهای محاکم و مقامات قضایی می باشند.

۱۰- ارگان های خود مختار موظفند از مداخله در اموری که در صلاحیت ویژه دولت مرکزی شناخته



به یاری زندانیان سیاسی ایران بشتابید

## انتقاد سازنده یا سکتاریست ؟

بقیه از صفحه ۱۰

حرب در مصاحبه با رادیوهای خارجی از ساعت های سازمان های انقلابی سپاسگزاری می کند هدف امتیاز دادن به آنها بوده است؟ آیا راه کارگر آنها بحساب امتیاز دادن و امتیاز گرفتن بحساب می آید؟ ما چنین اعتقادی نداریم. به اعتقاد ما این نوع موضع گیری ها ریشه در گرایش سکتاریستی دارد و از این رو نمی تواند مورد انتقاد قرار نگیرد. ما حق مسلم خود می دانیم با هر سازمان، نیرو و جریان انقلابی و مترقی روابط دوستانه داشته باشیم و بملاح قصد خود در رابطه با یک مسأله مشخصی موضع گیری کنیم. طبیعی است که ما در موضع گیری بمرامون مسائل مشخصی و ایجاد روابط دوستانه با احزاب و سازمان ها از هیچ کس نظر خواهی نکرده و نخواهیم کرد.

شده است خودداری نموده و دولت مرکزی را در اجرای وظایف خویش در منطقه یاری کنند. به همین نحو دولت مرکزی و ارگان های اجرایی آن از مداخله در اموری که در صلاحیت ویژه ارگان های خود مختاری شناخته شده اند ممنوعند و باید ارگان های خود مختاری را در انجام وظایف خود یاری رسانند.

۱۱- دولت مرکزی در اجرای وظیفه خود مبنی بر تأمین سریع پیشرفت و توسعه کلیه مناطق عقب افتاده کشور، موظف است که از درآمدهای عمومی سهم بیشتری را به رفع عقب ماندگی منطقه خود مختار کردستان نیز اختصاص دهد.

۱۲- مردم منطقه خود مختار کردستان مانند سایر هموطنان خود در سراسر ایران از طریق قانونی و بدون هیچگونه تبعیض در اداره امور کشور مشارکت خواهند نمود.

طرح حاضر در یک مقدمه و ۱۲ ماده در تاریخ هفده آبان هزار و سیصد و شصت و دو به اتفاق آراء در شورای ملی مقاومت به تصویب رسید.

مسئول شورای ملی مقاومت  
سعید رجوی  
۱۳۶۲/آبان/۱۷

اخبار و رویدادها....

برخی از رویدادهای تاریخی

آبان ماه

داخلی:

۱۲۸۷/۸/۷ - اعتصاب کارگران کارخانه چرم سازی تبریز تحت رهبری سوسیال دموکرات های تبریز  
۱۲۹۲/۸/۲۵ - درگذشت سردار ملی خلق ستارخان  
۱۳۰۴/۸/۱۲ - ترور میرزا یحیی واعظ کیوانی (قزوینی) یکی از کمونیست های ایران در مقابل مجلس در شرایطی که طرح لایحه خلع سلطنت قاجار در مجلس مطرح شده بود.  
۱۳۲۲/۸/۱۷ - آغاز محاکمه دکتر محمد مصدق، رهبر جنبش ملی شدن صنعت نفت در بیدادگاه های رژیم شاه  
۱۳۳۳/۸/۱۹ - اعدام دکتر حسین فاطمی وزیر امور خارجه دولت ملی دکتر مصدق توسط مزدوران رژیم شاه  
۱۳۳۳/۸/۷ - تصویب قرارداد رژیم شاه با کنسرسیوم بین المللی نفت به ابتکار پیرتوگر استعمار، علی امینی  
۱۳۳۳/۸/۷ - تبریزبان دومین گروه از افسران مبارز ارتش وابسته به حزب توده  
۱۳۳۸/۸/۱۵ - اعتصاب کارگران کارخانه شهنشاهان  
۱۳۴۳/۸/۱۵ - تصویب قانون اعطاء مصونیت سیاسی به مستشاران امریکا (احیا، کاپیتولاسیون) توسط مزدوران رژیم شاه در مجلس فرمایشی  
۱۳۵۷/۸/۳ - آزادی گروهی از زندانیان سیاسی  
۱۳۵۷/۸/۶ - آغاز " هفته همبستگی " توسط دانشجویان دانشگاه تهران  
۱۳۵۷/۸/۸ - اعتصاب چهل هزار کارگر ذوب آهن با خواست لگو حکومت نظامی در کارخانه  
۱۳۵۷/۸/۱۳ - انتشار و خطابه دانش آموزان و دانش جوین تهران در دانشگاه تهران توسط مزدوران رژیم شاه  
۱۳۵۷/۸/۱۴ - سقوط کابینه شریف امامی و تشکیل دولت نظامی از هاری و آغاز اعتصاب کارکنان رادیو و تلویزیون  
۱۳۵۷/۸/۱۶ - انجام تظاهرات بزرگ مردم ایران در سراسر کشور  
۱۳۵۸/۸/۱۲ - اشغال سفارت امریکا توسط مزدور ان رژیم خمینی موسوم به " دانشجویان خط امام"  
۱۳۵۸/۸/۱۵ - سقوط کابینه سهیلدس بازرگان

در صفحه ۱۰

برای دریافت نبرد خلق و سایر انتشارات سازمان در امریکا و کانادا با آدرس زیر مکاتبه کنید

HOVE, YAT  
P.O. BOX 2891  
RESTON, VA 22090  
USA

برای دریافت نبرد خلق و سایر انتشارات سازمان با آدرس زیر مکاتبه کنید

F. ASSELIN  
B.P. 311  
75229 PARIS  
CEDEX 05  
FRANCE

یورش جانشینان قاسملو به پیشمرگان کومله

رادیو کومله در تاریخ ۲۹ شهریور اسامی اعلام نمود که " یک واحد پنج نفره از گروه انفجارات نیروی پیشمرگان کومله که میخواست با عبور از خالک عراق و مرز منطقه شیلر به داخل خالک ایران در ناحیه مریوان برود، هنگامی که در چشمه ای پشت ویرانه های روستای کوبره در خالک عراق در حال استراحت بودند، توسط تعدادی از افراد حزب دموکرات جناح قاسملو غافلگیر شده و ناجوانمردانه مورد یورش قرار میگیرد. در این یورش جنایت کارانه که افراد این دزادسته خیانت پیشه با یابغال کردن توافقیات فیما بین در خالک عراق انجام دادند، یک تن از رفقایمان شهید و سه نفر دیگر که زخمی شده بودند، توسط این افراد دستگیر و بطور وحشیانه ای اعدام شدند. آنان حتی به این وحشی گری و پستی هم اکتفا نکرده و انگشت یکی از رفقای شهید را قطع کرده تا انگشتی وی را به غنیمت ببرند. یکی دیگر از رفقای پیشمرگ که در این یورش زخمی شده بود، موفق شد خود را به واحدهای دیگر برساند. لازم به تذکر است که رادیو جانشینان قاسملو در تاریخ اول مهر اسامی با افتخار خبر این یورش جنایت کارانه را بخش می نماید و اعلام می کند که ۱۰ نفر از پیشمرگان کومله را بشهادت رسانده است.

سازمان چریک های فدایی خلق ایران - پیرو برنامه (هویت) این اقدام جنایت کارانه جانشینان قاسملو را شدیداً محکوم نموده و این اقدام را در راستای سیاست مذاکره جویانه و سازشکارانه این دزادسته می داند.

اطلاعیهای از دفتر سازمان مجاهدین خلق ایران

دفتر سازمان مجاهدین خلق ایران در تاریخ ۱۰ مهر اسامی اطلاعیه ای تحت عنوان " طرفداران احمد خمینی به خلعید از باند رفسنجانی فرا می خوانند" بشرح زیر صادر نمود. " روز چهارشنبه ۲۷ سپتامبر (شهر) مجلس ملایان شاهد تعرض گسترده نمایندگان وابسته به جناح مخالف رفسنجانی علیه شخصی وی و کابینه اش بود. در جلسه مزبور صادق خلغالی که به نمایندگی از جناح موسوم به خط امام سخن می گفت فاش ساخت که احمد خمینی اخیراً نسبت به مواضع تصفیه مخالفان در دستگاه های حکومتی به رفسنجانی هشدار داده و او را از این کار باز داشته است. خلغالی که از احمد خمینی به عنوان " کانون و آتش نشان" مخالفت با رفسنجانی یاد می کرد از موضع او تقدیر نمود و ضمن اظهار اینکه " دستی که برای زدودن باران امام در این مملکت فعالیت می کند، باید بهر طریق قطع شود" در یک اشاره نه چندان یوشیفته خواستار خلعید از رفسنجانی شد. او همچنین گفت جناح خط امام برخی از چهره های شناخته شده نظیر موسوی، محتشمی و خوشبینی ها که در جریان تحولات اخیر از مقام های پیشین خود برکنار شده اند را " در یک در صفحه ۲



در برابر تندروی ایستند خانه را روشن می کنند و می میرند.

شهدای فدایی  
آبان ماه

رفقای فدایی:

دیروز سپهری - محمدرضا چینی - علی دبیری فرد - رحیم خدادهادی - عثمان کویلی - هادی اشکانی - لقمان مدائن - محمد سلیمانی (اصغر) - محمد داوود نوری - عبدالرضا ماهیکبر - مریم دژ آگاه - مهراون محمدی - مجید شریفی - همایون - حجت - عزت الله بهرامی (موسی) - جمشید دژ آگاه - مرتضی فخر طباطبائی - شاهرخ هدایتی - فرهاد سپهری - عبدالله فیض الله بیگی - عمر صالحی - حسین مدیر شانه چی - محمد حسین خادمی از سال ۵۰ تا کنون در آبان ماه در مبارزه علیه اسپرالیسم و ارتجاع توسط رژیم های شاه و خمینی بشهادت رسیده اند.

با تاسف بسیار روز سوم مهر اسامی، کاک خلیل گادانی، یکی از کادرهای پراسفیه حزب دمکرات کردستان ایران - رهبری انقلابی بعلت بیماری سرطان درگذشت.

سازمان چریک های فدایی خلق ایران - پیرو برنامه (هویت)، درگذشت این مبارز پر سابقه را به خانواده کاک خلیل گادانی و به حزب دمکرات کردستان ایران - رهبری انقلابی و به دبیر کل این حزب کاک خلیل گادانی تسلیت می گوید.

در تکمیل و توزیع آمار سازمان بکوشید

با کمک های مالی خود سازمان را در انجام وظایف انقلابی یاری رسانید

هم میهنان مبارز سازمان ما برای گسترش مبارزه مسلحانه انقلابی علیه رژیم خمینی به کمک های مالی شما نیازمند است. کمک های مالی خود را بهر میزان که باشد، با ستفیمای بدست ما برسانید و یا به حساب بانکی سازمان مندرج در همین صفحه نشریه واریز کرده و قبض رسید و یا فتوکپی آنرا به آدرس صندوق پستی سازمان در فرانسه ارسال دارید.

حساب بانکی جدید

SOCIÉTÉ GÉNÉRALE نام بانک  
BOULOGNE - S - SEINE آدرس بانک

03760 کد گیته  
00050097851 شماره حساب

MME: R-T-TALAT نام صاحب حساب

زنده باد استقلال، دموکراسی، صلح و سوسیالیسم